

اختلاف کیانی و نعمت زاده
مدال آوران المپیک در وزن ۵۳ کیلو

جنگال دست رد ناهید به مبینا

فدراسیون تکواندو: ادامه اختلافات منجر به حذف خواهد شد

صفحه ۱۱

گزارش هفت صبح از روز پر حاشیه شورای شهر تهران

روز داغ بهشت

- بخش کلیپ تبلیغاتی از تریبون شورا باعث اعتراض سایر اعضا شد
- شربانی: نمی‌دانم انگیزه حمایت از رانت و فساد چیست، ما مثل شما نیستیم، نمی‌دانم چرا وقتی این حرف‌ها را می‌زنم به برخی بر می‌خورد؟

صفحه ۹

گفت‌وگوی اختصاصی با
محسن عاشوری سلطان
پاس گل فوتبال ایران و ستاره
سال‌های نه‌چندان
دور پرسپولیس

پایه‌های سست رده‌پایه

مستولان فدراسیون
باید درباره فوتبال
نوجوانان و
رده‌های پایه
پاسخگو باشند

صفحه ۱۱

گزارش

کنفرانس پرینستون و روایت تازه‌ای از استقلال در دنیای نشر

قایق‌های کوچک، مأموریت بزرگ

در غیاب کتاب‌فروشی‌ها، سیستم اشتراک ماهانه، راهی برای رساندن کتاب به خانه خوانندگان شد

در روز گاری که غول‌های نشر چندملیتی چون کشتی‌های عظیم‌الجثه بر اقیانوس کتاب‌سلطه یافته‌اند، گروهی از ناشران مستقل از آمریکای لاتین و آمریکای شمالی در بندر دانشگاه پرینستون گرد هم آمدند. گردهمایی برای بازتعریف استقلال، برای شنیدن صدای قایق‌های کوچک در میان امواج سهمگین بازار جهانی نشر. کنفرانس «از آمریکای لاتین تا جهان: نشر امروز» فرصتی بود تا ناشران، مترجمان، کتاب‌فروشان و حتی خوانندگان از تجربه‌ها، چالش‌ها و خلاقیت‌های خود بگویند. از روزهایی که چاپ یک کتاب سودآور نیست اما ارزش فراتر از عددهاست، تا شب‌هایی که امید، تنها دلیل ادامه دادن است.

استقلال یا هم‌افزایی؟
در حالی که برخی از ناشران از مفهوم «استقلال مطلق» سخن می‌گفتند، مایکل رینولدز از Europa Editions راه تازه‌ای پیشنهاد داد: وابستگی متقابل. او گفت: «مان آن رسیده که از رقابت عبور کنیم و به هم‌افزایی برسیم؛ به شبکه‌ای از ناشران، مترجمان، کتاب‌فروشان و خواندگانی که با هم جهان ادبیات را زنده نگه می‌دارند.»

قایق‌هایی که از کشتی‌ها پیشی می‌گیرند
سسلیا آربولاه از Lote ۴۲، در یکی از شاعرانه‌ترین لحظات نشست، گفت: «ما قایق‌های کوچکی هستیم که می‌توانیم به سواحلی برسیم که کشتی‌های بزرگ از آن غافل‌اند. ما ساده‌ایم اما چابک. سسراغ مخاطب‌هایی می‌رویم که سیستم‌های بزرگ اصلاً نمی‌بینندشان.» گوستاو وویچخوفسکی، شاعر و ناشر اهل اروگوئه نیز با بیانی بی‌پرده، سه‌گانه‌ای از جهان نشر ترسیم کرد: ناشران سودمحور، ناشران متعادل و در نهایت ناشران مستقل، که چشمشان نه به سود که به حقیقت است.

ناشرانی که به نویسنده‌ها وفادار می‌مانند
داستان الهام‌بخش «لنا فرانته» هم نقل شد. رینولدز گفت: «کتاب‌های فرانته اولش فروش نداشت. اما ما ادامه دادیم. چون به نویسنده ایمان داشتیم، نه به بازار. ناشر بزرگ، او را راهی می‌کرد.» این جمله تماشاگران را به تحسین واداشت؛ جمله‌ای که جوهره تفکر مستقل را فریاد می‌زد.

آفرینش فراتر از قالب‌ها
پایان جلسه، به شکلی خلاقانه و شو که کنندۀ رقم خورد: رونمایی از کتابی پاپ‌آپ و هنری که محصول همکاری شاعر سرشناس برزیلی آگوستو د کامپوس و هنرمند اسپانیایی خولیو پلازا بود. کتابی آن قدر پیچیده که هیچ ناشر بزرگی حاضر به ریسک آن نشد، اما آربولاه آن را به سرانجام رساند. از آن سو، دک‌ای کوچک به نام Banca Tatui هم معرفی شد؛ پروژه‌ای خلاقانه که روزنامه‌فروشی ساده‌ای را به فروشگاه‌ی برای کتاب‌های مستقل تبدیل کرده بود.

وقتی کتاب به خانه می‌آید
وویچخوفسکی از راهکاری دیگر گفت: از استان‌هایی در اروگوئه که حتی یک کتاب‌فروشی هم ندارند. او برای این چالش، پاسخ ابتکاری‌ای یافته بود: سیستم اشتراک ماهانه کتاب که مستقیماً آن را به در خانه‌ها می‌فرستد؛ کتاب به جای آگهی! پایان بخش کنفرانس، سخنان پراحساس وویچخوفسکی بود: «ادبیات برای ما کالا نیست. اقتصاد، مانعی برایمان نیست، ما اینجا‌یم تا ادبیات را زنده نگه داریم، حتی اگر سودی در کار نباشد.»

هفت سد مهم کشور با کمتر از ۱۰ درصد حجم آب در وضعیت بحرانی قرار دارند

آب نیست، تدبیر هم نیست

بخشی از منابع تأمین آب شرب تهران، شیراز، بندرعباس و ساوه در آستانه خروج کامل از مدار قرار دارد

صفحه ۳

ازدواج کنید! ازدواج کنید!

ازدواج کنید! ازدواج کنید!

تجدد قطعی زنان در تهران
به مرز ۳۸ سالگی رسیده است

تهران؛ پایتخت مجردها

ازدواج دیگر الزام اجتماعی نیست
و به انتخابی شخصی تبدیل شده است

صفحه ۶

میراث

هنری باستانی در دل تاریخ ایران

گلیم هرسین در پی برندسازی جهانی و حمایت‌های ویژه از هنرمندان و تولیدکنندگان است



نیز بر ضرورت برگزاری جشنواره ملی گلیم و تأمین تسهیلات کم‌بهره، می‌توان زمینه را برای رونق هرچه بیشتر این صنعت فراهم کرد. همچنین، احداث بازارچه دائمی صنایع دستی در ورودی‌های شهر و برگزاری جشنواره‌های ملی می‌تواند باعث جذب گردشگران و علاقه‌مندان به این هنر باشد.

گلیم هرسین که به‌عنوان نماد هنر ایرانی در دل تاریخ جای دارد، باید به‌عنوان یک صنعت ملی و بین‌المللی شناخته شود. برای تحقق این هدف، علاوه بر برگزاری جشنواره‌های ملی و جهانی، نیاز به حمایت‌های مالی و تسهیلات کم‌بهره برای تولیدکنندگان و گلیم‌بافان هرسین وجود دارد. تنها با این حمایت‌ها می‌توان گلیم هرسین را به جایگاه واقعی‌اش در بازارهای جهانی رساند و از ظرفیت‌های بی‌پایان آن بهره‌برداری کرد.



گلیم هرسین با قدمتی چند هزار ساله، نه تنها نمایانگر هنر کهن ایران بلکه بخشی از هویت فرهنگی این منطقه است. شهرستان هرسین که در دامنه‌های رشته‌کوه زاگرس و در استان کرمانشاه قرار دارد، با بیش از پنج هزار گلیم‌باف، یکی از قطب‌های تولید این محصول هنری در ایران به شمار می‌رود. اما با وجود این قدمت و شهرت جهانی، همچنان نیازمند برندسازی و معرفی در بازارهای داخلی و خارجی است. این شهرستان که در ارتفاع بیش از یک هزار و ۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود از آب و هوای معتدل کوهستانی برخوردار است و در هر فصل، ویژگی‌های خاص خود را در تولید گلیم به نمایش می‌گذارد. گلیم هرسین از دیرباز در فهرست صنایع دستی برجسته ایران قرار داشته و به‌ویژه در مناطق مختلف ایران مانند سنقر، کلیایی و جوانرود نیز تولید می‌شود، اما هیچ کجا به‌اندازه هرسین، ریشه‌دار و معتبر نیست.

گلیم هرسین؛ نماد تاریخ و فرهنگ ایرانی
گلیم هرسین از نظر هنری و فرهنگی در ایران به‌قدری مهم است که نقوش آن در آثار تاریخی چون تاق بستان، کتیبه بیستون و معبد آناهیتا به‌وضوح دیده می‌شود. قدمت این هنر دستی به سه تا پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد و نشان‌دهنده هنری است که از دوران‌های گذشته تا به امروز در دل مردم هرسین ریشه‌دوانده است. با این حال، برای بهبود وضعیت این صنعت و جلب توجه بیشتر به این هنر ملی، نیازمند یک برنامه جامع برای برندسازی و صادرات گلیم هرسین هستیم.

تلاش برای برندسازی و معرفی جهانی گلیم هرسین
در این راستا، مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه، داریوش فرمانی، از لزوم برندسازی و معرفی بیشتر گلیم هرسین در بازارهای جهانی سخن می‌گوید. به گفته او، هرسین باید هر ساله جشنواره ملی گلیم را برگزار کند تا علاوه بر رونق تولید، به معرفی بهتر این هنر بپردازد. فرمانی همچنین به توسعه کارگاه‌های تولید گلیم و ارائه آموزش‌های تخصصی اشاره می‌کند و تأکید دارد که برای پیشرفت این صنعت باید تسهیلات کم‌بهره به گلیم‌بافان اختصاص یابد. پشتیبانی از گلیم‌بافان هرسین برای توسعه صنعت فرماندار شهرستان هرسین، جهان‌بخش حیدری،

تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با هفت‌صبح از جامعه امروز ایران، دولت، نسل زد، نخبگان و زنان می‌گوید

صدای تصمیم می‌آید

- جامعه ایران دیگر منفعل نیست و نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌ها دارد
- تجربه انقلاب ۵۷ نشان داد حذف جامعه نتیجه‌ای جز سقوط ندارد
- نظام سیاسی یا به جامعه بازگردد یا خطر رادیکالیزه شدن و فروپاشی را بپذیرد

صفحه ۲

روایت دلخراش پسر از قتل مادرش با ۳۸ ضربه چاقوی دختر همسایه

پایان ۲۲ سال همسایگی

دختر همسایه در جریان تحقیقات جنایی بازداشت شده و به قتل اعتراف کرده است

صفحه ۷

بررسی موانع و چالش‌های راه‌اندازی مقطع کارشناسی انیمیشن

انیمیشن در ایران فقط اپراتور می‌سازد، نه خلاقیت

تحصیل در انیمیشن ایران؛ چهار سال بلا تکلیفی میان علاقه، هنرستان و ارشد

صفحه ۵



سرنوشت اندوه‌بار رانندگان حادثه انفجار بندر شهید رجایی

ترکش انفجار بر جان رانندگان

رانندگان همچنان با مشکلات فراوانی پس از انفجار بندر شهید رجایی دست و پنجه نرم می‌کنند

صفحه ۳

افت جهانی فروش آثار هنری؛ اما آثار ایرانی به سهم قابل توجهی رسیدند

سکوت ضرب آهنگ چکش‌های حراج

- فروش‌های آنلاین و خصوصی جایگزین فروش‌های عمومی در حراجی‌ها شده‌اند
- هنرمندان ایرانی با وجود محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی، همچنان در بازارهای جهانی حضور دارند

صفحه ۴

جدال میان هنر، قانون و سلیقه‌های شخصی در ارشاد بالا گرفت

اعتراض رسمی به مجوز رسمی

با وجود مجوزهای رسمی، اجرای کنسرت‌ها در برخی شهرها با تصمیمات سلیقه‌ای لغو می‌شود

صفحه ۴

در میان رقابت‌های محرمانه و شایعات داغ، کاردینال‌ها برای انتخاب پاپ جدید آماده می‌شوند

کاردینال‌هایی که از خبرنگاران فرار می‌کنند

صفحه ۱۰



خنده جدی

حکایت‌هایی از نسبت طنز با سیاست



اسماعیل امینی
شاعر و استاد دانشگاه

دنیای سیاست شوخی‌بردار نیست؛ جدی است و حتی کمی عبوس. گاهی هم خشمگین و خشن است. پس نباید چندان مناسبتی داشته باشد با طنزنویسی و لیخند؛ اما دارد و خوب هم دارد. اصلا انگار سیاست کشش‌زار اصلی طنز است و بدون سیاست تنور طنز گرم نمی‌شود و البته این هم هست که طنز گاهی تنور سیاست را گرم می‌کند چندان که سیاستمداران داغ می‌کنند و مبارشان اهل قدرت، طنزنویس را می‌گیرند و داغ می‌کنند داغ کردنی!

در قریبا یک چیزی مثل همین آدم بی‌نمکی که هفته‌ای دو سه بار می‌آید به تلویزیون خودمان و در ترویج رای سلاطین سیاست و سپید نمایی انواع سیاهی‌ها، آسمان و ریسمان به هم می‌یافتد. از اینجا می‌فهمیم که همه طنز نویسان، مطرود و مغضوب قدرت نیستند و ممکن است طنزنویس خودش بخشی از ساختار قدرت باشد؛ چه در سفیدنمایی و ماستمالی و چه در مسخره‌بازی و ایجاد انبساط خاطر برای صاحب‌منصبان منبسطِ خوشحال.

در قدیم از خیلی سال‌های دور تا همین روزگار پادشاهان قاجار، یکی از تفریحات حاکمان، مجالست با مسخرگان و تلخکohan بوده تا به رفتار و گفتار آن جماعت رند، ملال از خاطر بردابند و خشکی دماغ خو کرده به اخم و خشم را چاره سازند. نسبت رندان طنزآفرین با حاکمان سیاست‌باز، به همین سادگی نیست که من در این چند سطر نوشتم. حکایتی است دراز دامن و شیرین و خواندنی، نه به خاطر قلم من بلکه به خاطر ماهیت طنز و ماهیت قدرت که طبعاً ناسازگارند و اسباب انواع سوانح در این ناسازگاری فراهم است و باز تاب آن در نوشته‌های اهل طنز آمده است.

از این پس در همین جا هر بار حکایتی از سازگاری و ناسازگاری طنز و سیاست می‌نویسم و این به خاطر دل‌بستگی‌ام به طنز و دل‌زدگی‌ام از سیاست است، پس توقع نداشته باشید که چندان بی‌طرفانه و حتی منصفانه باشد. معلوم است که در دعوی آنکه گره به‌ابرو دارد و دماغش را بالا گرفته و طلبکار عالم و آدم است با آنکه خوسرود و بی‌اعتناست، چای می‌نوشد و لبخند می‌زند، من بی‌هیچ تردیدی از آن آدم عبوس و متکبر روی بر می‌گردانم با خوسرود دی‌لبخند می‌زنم و طرف خندان را بر می‌گزینم.

یادداشت

سیاست در عصر بی‌قراری سرعت، واکنش، فراموشی



بابک نبی
دبیر گروه سیاسی

جهان آرام نمی‌گیرد. اخبار می‌رسند، پخش می‌شوند، ناپدید می‌شوند. سیاست، زمانی صحنه نبرد ایده‌ها و برنامه‌ها بود؛ امروز بدل شده به مسابقه واکنش‌ها، پلنفرم‌هایی تازند، مخاطب می‌لغد، سیاست‌مدار می‌گریزد. همه درگیر «الان» شده‌اند، کسی مجالی برای «بعد» ندارد. سیاست، در عصر بی‌قراری، گرفتار شده میان سرعت، واکنش و فراموشی. در این روزگار، هر اتفاقی با هشتنگی به دنیا می‌آید، با چند ویدیو دیده می‌شود و با چند تحلیل سطحی از بین می‌رود. چرخه زیست سیاسی یک رویداد، کوتاه‌تر از عمر یک استوری است. آنچه دیروز طوفان به پا کرد، امروز در قعر حافظه جمعی دفن شده. فراموشی، نه نتیجه گذر زمان، که محصول شتاب است. جامعه‌ای که میال‌ایستادن ندارد، نمی‌تواند به‌خاطر بیاورد. این سیاست، سیاست تأمل نیست. سیاست تصمیم‌های فوری‌ست، بی‌پشتوانه فکری، بی‌تحلیل، بی‌زمینه. کنشگران، به جای درک پیچیدگی‌ها، به دنبال موضوع گریز فوری‌اند. موضوعی که بیشتر از آنکه ریشه در باور داشته باشد، ریشه در ترس از جاماندن دارد. در این میدان، مهم نیست چه می‌گویی؛ مهم این است که «زودتر» بگویی.

رسانه‌ها این بی‌قراری را تغذیه می‌کنند. خبری که با تأخیر برسد، دیگر «خبر» نیست؛ به سرعت تبدیل به گذشته می‌شود. تحلیلی که دیر منتشر شود، تحلیل نمی‌ماند؛ بدل به حاشیه‌ای خاموش در گوشه‌ای از اینترنت می‌شود. همین شتاب، سیاست را از معنا تهی کرده و آن را به واکنش‌های لحظه‌ای تقلیل داده. واکنش‌هایی که چون بر بادنده، هیچ کاره ریشه نمی‌دانند. در این شرایط، سیاست‌مداران ناگزیر بر نند نقش‌های تازه‌ای بازی کنند. به‌جای برنامه‌ریز و نظریه‌پرداز، بدل به واکنش‌گرانی حرفه‌ای شده‌اند؛ آماده‌اند تا در لحظه به هر موجی سوار شوند، بی‌آن که مقصد را بشناسند. این بازیگر جدید، شخصیت ندارد؛ پرسونای او را الگوریتم‌ها می‌سازند. می‌بیند که مردم چه می‌خواهند، همان را می‌گوید. نتیجه؟ جامعه‌ای که از تکرار خسته است، اما جرات ایستادن ندارد.

وضعیت، بیش از آنکه بحران اطلاع‌رسانی باشد، بحران توجه است. توجه، کمیاب‌ترین منبع عصر ماست. سیاست، اگر قرار است شنیده شود، باید بتواند این توجه را بخرد، حفظ کند و در نهایت هدایتش کند. اما در عمل، توجه مخاطب به‌جای آنکه تبدیل به فهم شود، در گرداب هیجان و سرگرمی می‌گم می‌شود. این سیاست بی‌قرار، عمق را پس می‌زند. جایی برای تفکر نمی‌گذارد. نه برای سیاست‌مدار، نه برای روزنامه‌نگار، نه برای شهروند. قدرت واقعی، در همین لحظه غیبت تأمل شکل می‌گیرد؛ آنجا که ساختارها، بی‌سروصدا تصمیم می‌گیرند و افکار عمومی، درگیر موج بعدی شده‌اند؛ فراموشی، متحد همیشگی قدرت است؛ چه در دموکراسی، چه در استبداد.

سیاست در عصر بی‌قراری، در خطر است؛ نه از بیرون، بلکه از درون. اگر قرار است دوباره معنا پیدا کند، باید از این چرخه چرخش آمیز خارج شود. باید شهادت کند که دیر بگوید، اما درست. باید قدرت نه گفتن به سرعت را داشته باشد. شاید تنها راه بازسازی اعتماد عمومی همین باشد: سیاستی که برای اندیشیدن وقت می‌گذارد، نه فقط برای گفتن.



تقی‌آزادارمکی، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با هفت‌صبح از جامعه‌امروز ایران، دولت، نسل‌زد، نخبگان و زنان می‌گوید

«جامعه ایران، جامعه‌ای جهانی شده است

تقی‌آزادارمکی در پاسخ به این پرسش، تصویری از یک تحول تاریخی ارائه می‌دهد؛ تحولی که در آن ایران دیگر صرفاً یک جامعه سنتی یا منزوی نیست، بلکه بخشی فعال، پُررنگ و حتی پیش‌رو در ساختارهای جهانی است: «باید زمانی را به یاد بیاوریم که تکنولوژی در زندگی ما جایی نداشت، صنعت غایب بود و سبک زندگی امروز اصلاً وجود نداشت. آن روزها نه این نوع مردم، نه این جنگ‌ها، نه این سیاست‌ها، نه این نوع مصرف‌فرهنگی قابل تصور نبود. جامعه‌ای بود با چهره‌ای متفاوت. امروز اما، ایران به جامعه‌ای تبدیل شده که حضورش در سطح جهانی محسوس است؛ هم در زیست اجتماعی، هم در ساختار سیاسی. دیگر نمی‌توان آن را جامعه‌ای منزوی یا فرو رفته در لاک سنت دانست.»

او جامعه‌امروز ایران را با جامعه آمریکامقایسه می‌کند: «در آمریکا امروز، ترامپ بحث جنگ و صلح را پیش می‌کشد. در ایران هم این دغدغه جاری است. جامعه‌ما دقیقاً در موقعیتی ایستاده که آن طرف دنیا هم هست: نه در جنگ است، نه در صلح. در کشاکش یک تصمیم تاریخی است. این یعنی جامعه ایرانی، جامعه‌ای جهانی شده است، با همان تردیدها، همان بحران‌ها، همان سطح از مشارکت و دغدغه.»

او جامعه‌امروز ایران را با جامعه آمریکامقایسه می‌کند:

«جامعه‌ای در سطح، جامعه‌ای حاضر، جامعه‌ای که تمام نشانه‌های بلوغ اجتماعی را دارد. اگر آن را با نوجوانی مقایسه کنیم که تازه وارد دنیای بزرگسالی شده، حالا به جایی رسیده که خودش تصمیم می‌گیرد، خودش انتخاب می‌کند و دیگر تنها فرمان‌بردار نیست. جامعه ایران امروز، جامعه‌ای است مسئله‌دار اما زنده. قوی اما درگیر. پر از پرسش اما هوش‌مان‌جویای پاسخ.»

او این حضور را در مصرف‌فرهنگی، در تکنولوژی، در فضای دانشگاه، در مشارکت سیاسی و حتی در منازعات فکری و دینی می‌بیند: «مصرف تکنولوژی در ایران از بسیاری از کشورهای جهان بالاتر است. موسیقی، فیلم، شبکه‌های اجتماعی، همه و همه نشان‌دهنده حضور فعال جامعه در زیست جهانی‌اند. همین‌طور در عرصه‌های سیاسی؛ ما با جامعه‌ای مواجه‌ایم که دیگر به هیچ وجه تماشاگر نیست، خودش وارد میدان شده است. حتی در فقه، حتی در دین، حتی در دانشگاه. این جامعه، دارد برای خودش تصمیم می‌گیرد.»

«مصرف تکنولوژی در ایران از بسیاری از کشورهای جهان بالاتر است. موسیقی، فیلم، شبکه‌های اجتماعی، همه و همه نشان‌دهنده حضور فعال جامعه در زیست جهانی‌اند. همین‌طور در عرصه‌های سیاسی؛ ما با جامعه‌ای مواجه‌ایم که دیگر به هیچ وجه تماشاگر نیست، خودش وارد میدان شده است. حتی در فقه، حتی در دین، حتی در دانشگاه. این جامعه، دارد برای خودش تصمیم می‌گیرد.»

«گذشته‌ای که با نوستالژی بازسازی می‌شود

در ادامه، از آزادارمکی درباره حسرت بخشی از جامعه به گذشته می‌پرسیم، وقتی ما در فضای مجازی می‌بینیم که تصویری از ۴۰-۵۰ سال پیش می‌گذارد که حسرت گذشته را می‌خورند. به نظر شما ما در جریان این تغییرات چه چیزهایی به دست آورده‌ایم و چه چیزهایی از دست داده‌ایم؟ چرا مردم با آه می‌گویند: «چه روزگاری بود!»

«وقتی در سربالایی هستی، خسته می‌شوی. طبیعی است که لحظه‌ای را که پایین‌تر نشسته بودی و استراحت می‌کردی به‌عنوان خاطره‌ای خوش به یاد بیاوری. اما آیا آن پایین‌نشستن، زندگی بود؟ یا وقفه‌ای در مسیر؟ بعضی‌ها خستگی امروز را می‌گیرند و با چسباندن آن به لحظه‌های رمانتیک گذشته، تصویری جعلی از گذشته می‌سازند. می‌گویند ببینید چقدر خوب بود! اما اگر آن گذشته چنین درخشان بود، چرا حرکت کردیم؟ چرا انقلاب کردیم؟»

او بازسازی گزینشی از گذشته را ناشی از یک نوع «خیانت معرفتی» می‌داند: «کسانی که بخشی از گذشته را برجسته می‌کنند، در واقع می‌خواهند امروز را متوقف کنند. می‌خواهند عمل اجتماعی امروز را تعطیل کنند. این یعنی بازگشت به خیال‌پردازی، به اوهام و عقب‌نشینی از مسئولیت اجتماعی. من نمی‌گویم که گذشته بخشی از مانیست. البته که هست. همه شاهان، همه ظلم‌ها، همه رنج‌ها، همه تجربه‌ها، بخشی از ما هستند. اما

سیاست

روزنامه سبک ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۴۲ | دوشنبه | ۱۵ اردیبهشت | ۱۴۰۴



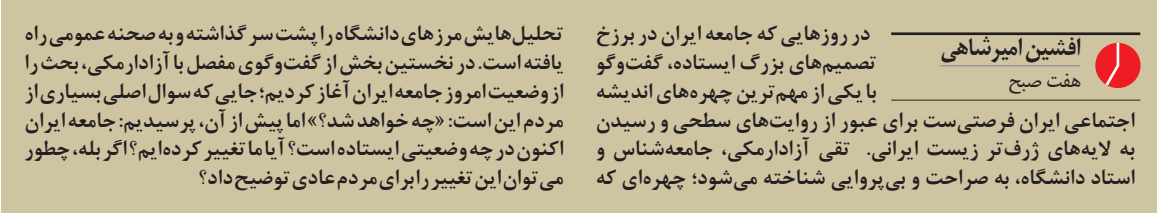
تقی‌آزادارمکی، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با هفت‌صبح از جامعه‌امروز ایران، دولت، نسل‌زد، نخبگان و زنان می‌گوید

صدای تصمیم می‌آید

● جامعه ایران دیگر منفعل نیست و نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌ها دارد

● تجربه انقلاب ۵۷ نشان داد حذف جامعه نتیجه‌ای جز سقوط ندارد

● نظام سیاسی یا به جامعه باز گردد، یا خطر را دیکتایلیزه شدن و فروپاشی را ببیند



در روزهایی که جامعه ایران در برزخ تصمیم‌های بزرگ ایستاده، گفت‌وگو با یکی از مهم‌ترین چهره‌های اندیشه اجتماعی ایران فرصتی‌ست برای عبور از روایت‌های سطحی و رسیدن به لایه‌های ژرف‌تر زیست ایرانی. تقی‌آزادارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، به صراحت و بی‌پروایی شناخته می‌شود؛ چهره‌ای که در روزهای پر فراز و نشیب، نقش بی‌بدیلی در تحولات ایران داشته و با طرحی از آینده‌ای روشن‌تر، افق‌های جدیدی را ترسیم کرده است. او در این گفت‌وگو، به چالش‌های نظام سیاسی، نقش جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، و آینده‌ای که در انتظار ایران است، می‌پردازد. او همچنین به موضوعاتی مانند نقش زنان، نخبگان، و چالش‌های معنوی در جامعه ایران می‌پردازد. او تأکید می‌کند که این بار جامعه ایران، اگرچه زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی است، اما باز هم فعال، هوشیار و بر خوردار از نوعی بلوغ اجتماعی است که اجازه تکرار تاریخ را نمی‌دهد: «این جامعه اگرچه تحت فشار است، اما مثل جامعه افغانستان نیست که راهی جز کارگری نداشته باشد. ایرانی‌ها ثروت دارند، نفوذ دارند، طبقه متوسط‌شان قدرتمند است. ایرانی‌ها گدانیستند. جامعه‌ای هستند که اگر از مسیر مشارکت کنار گذاشته شود، به سوی انفعال یا انفجار می‌رود.»

«دشمن این بار پشت مرز است

در ادامه گفت‌وگو، آزادارمکی به مسئله روابط خارجی اشاره می‌کند، اما این بار از منظر ساختاری و نه از نگاه نظامی محور:

«زمانی دشمن هزاران کیلومتر دور بود. حالا کشتی‌های امریکایی بسا فاصله چند



او تأکید می‌کند که این بار جامعه ایران، اگرچه زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی است، اما باز هم فعال، هوشیار و بر خوردار از نوعی بلوغ اجتماعی است که اجازه تکرار تاریخ را نمی‌دهد:

کیلومتری از ما ایستاده‌اند. نه اروپا در میان است، نه کشورهای منطقه. ما مانده‌ایم و آمریکا. تصمیم باید گرفت: یا تن بدسیم به بازی سرمایه‌داری جهانی که جامعه ایران آن را نمی‌پذیرد، یا وارد جنگ شویم. اما جنگ، فاجعه است.»

او تنها راه عبور از این برزخ را یک آشتی ملی می‌داند؛ آشتی که نباید در سطح شعار بماند:

«آشتی با جامعه یعنی آشتی با نیروهای اجتماعی. با دانشگاه، با روحانیت واقعی، بسا نهادهای مدنی. جامعه ایران یکدست نیست. باید با همه طیف‌های مؤثر مصالحه کرد. نه اینکه مردم را تحسین کرد و سپس کنار گذاشت. نه اینکه دانشگاه را مصادره کرد، روحانیت را به قبیله بدل کرد و بوروکراسی را به غول مصرف‌کننده منابع تبدیل کرد.»

«دولت قراضه، توسعه فلج

آزادارمکی نقد تندّی به وضعیت کنونی دولت نیز دارد. او دولت را نه تنها ناکارآمد، که از اساس دچار فروپاشی درونی می‌داند:

«دولت امروز یک دولت قراضه است. مثل ماشین از کار افتاده‌ای که نمی‌تواند حرکت کند، نه پول را سامان می‌دهد، نه مسکن را، نه سیاست جمعیتی را. هیچ کدام از سیاست‌های توسعه‌محور به سرانجام نمی‌رسند. چون دولت خودش مصرف‌کننده تمام انرژی‌های توسعه است.»

از نظر او، تنها راه خروج از این وضعیت، بازسازی کامل نظام اداری و بوروکراسی کشور است:

«اول بایدباید نظام اداری را اصلاح کرد. بعد از آن نظام سیاسی و سپس نظام تصمیم‌گیری. الان در موضوعاتی مثل حجاب یا فرزندآوری، صدها سازمان موازی دخالت می‌کنند، در حالی که هیچ کدام پاسخگو نیستند. این سیستم نه هماهنگ است، نه متصل. هرکس ساز خودش را می‌زند.»

او در پایان، بر ضرورت انتقال قدرت به نیروهای متخصص و واقعی تأکید می‌کند: «سیستم تصمیم‌سازی باید برای ورود و خروج نیروهای اجتماعی باز باشد. نه اینکه در حلقه‌های بسته ایدئولوژیک قفل شود. جامعه‌ای که به بلوغ رسیده، نیاز به نهادهایی دارد که به او پاسخ بدهند، نه نهادهایی که فقط برای کنترل او ساخته شده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «قانون اساسی جمهوری اسلامی، اگر درست خوانده شود، می‌گوید نقطه آغاز دموکراسی باید شوراها باشند. اما شورا را تعطیل کردیم، احزاب را نابود کردیم، طبقه متوسط را حذف کردیم و حالا مانده‌ایم با دولتی قراضه که کار نمی‌کند و مجلسی که بلندگو دارد ولی تصمیم ندارد.»

از نظر او، دولت پزشک‌یکان، مانند دولت‌های قبلی، قربانی همان چرخه غلطی است که سال‌هاست در سیاست ایرانی تکرار می‌شود: «همه روسای جمهور ما در نهایت بدنام شدند، چون بار ساختار را به دوش یک فرد انداختیم. آقای پزشک‌یکان هم با همین سازوکار جلو آمده، وعده فیلترینگ داد. نشد. در لایحه حجاب، فقط کار نکرد، مقاومت هم نکرد. در حوزه زنان،

زنان

صورت‌آشکار تغییر

آزادارمکی درباره زنان جوان، با تأکید ویژه‌ای حرف می‌زند. از نگاه او، آنچه در خیابان‌ها می‌بینیم _از پوشش تا حضور اجتماعی_ بیانگر یک خواست اجتماعی جدی و قابل احترام است:

«شما الان سکوت خیابان را ببینید. نه برخوردی در همان شدت گذشته می‌شود، نه برخوردها اثر دارد. چرا؟ چون بخشی از واقعیت پذیرفته شده، حتی اگر در زبان رسمی پذیرفته نشده باشد. زنان امروز فقط حجاب متفاوت ندارند، نگاه‌شان به زندگی، شغل، هنر، ورزش و حتی معنویت متفاوت است. این تفاوت، خطر نیست؛ ظرفیت است.»

او به نهادهایی مثل صداوسیما می‌تازد که به زعم او، در حال تولید «نسل‌های بدلی» هستند: «آنچه در تلویزیون پخش می‌شود، نسخه مهندسی‌شده‌ای از جوآنان است. انگار سه در صد جامعه را نماینده نود و هفت درصد کرده‌ایم. همان‌هایی که با ظاهری سازمان‌یافته، نقش جوان مومن انقلابی را بازی می‌کنند. اینها واقعی نیستند. جامعه واقعی، جای دیگری ایستاده است.»

رسانه، سیاست خارجی و تحریم‌ها، هیچ تحول جدی اتفاق نیفتاد. چون دولت به معنای دقیق، اصلاً قدرت ندارد.»

«آشتی ملی: شعار نیست، مسیر بقاست

او در ادامه تأکید می‌کند که آشتی ملی، دیگر یک انتخاب سیاسی نیست؛ مسیر ادامه حیات نظام است: «ما به صلح داخلی نیاز داریم. باید سرمایه‌های پنهان را بازگردانیم. از ایرانیان خارج از کشور دعوت کنیم، نه اینکه به محض ورود، با پرونده‌سازی یا مالیات و تهدید سرافشان برویم. آشتی ملی یعنی بازگرداندن اعتماد. یعنی باز کردن درهای سیاست به روی منتقدان، تکنوکرات‌ها، روزنامه‌نگاران، کارآفرینان، نخبگان و بورژوازی ملی.»

«بورژوازی ملی: گمشده توسعه ایران

آزادارمکی در ادامه، سراسر یک بحث مغفول مانده می‌رود: جایگاه بورژوازی ملی در توسعه ایران: «بدون بورژوازی ملی، توسعه ممکن نیست. کسی که ثروتش حلال است، در بحران کشورش راه‌نمی‌کند. پولش را برای مردم خرج می‌کند، نه برای خروج از کشور. در دوره‌ای، بازار سنتی ما چنین نقشی داشت. وقتی تاجری ورشکست می‌شد، دیگران جمع می‌شدند کمکش می‌کردند. نمی‌گذاشتند زنجیره سقوط راه بیفتد.»

او ادامه می‌دهد: «حالا چه کسی مانده؟ کدام پولدار برای حل فقر کشور کمک کرده؟ کدام‌شان اجازه داده‌اند سرمایه‌شان وارد چرخ اقتصاد شود؟ نه فقط سیاست‌مداران، نه فقط دانشگاه، نه فقط مردم؛ بخش خصوصی هم عقب کشیده. چون فضای مشارکت از بین رفته.»

«نسلی برای زیستن، نه برای تکرار

گفت‌وگوی مفصل ما با تقی‌آزادارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، با بحث زنان و نسل جدید به پایان می‌رسد؛ نقطه‌ای که از نظر او یک موضوع فرعی نیست، محور آینده ایران است. در پاسخ به پرسش ما درباره نسل ۷۰ و زنان جوانی که امروز سبک زندگی، پوشش، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی‌شان با گذشته خصوصی هم عقب کشیده. چون فضای مشارکت از بین رفته.»

او تأکید می‌کند که این بار جامعه ایران، اگرچه زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی است، اما باز هم فعال، هوشیار و بر خوردار از نوعی بلوغ اجتماعی است که اجازه تکرار تاریخ را نمی‌دهد:

«آشتی با جامعه یعنی آشتی با نیروهای اجتماعی. با دانشگاه، با روحانیت واقعی، بسا نهادهای مدنی. جامعه ایران یکدست نیست. باید با همه طیف‌های مؤثر مصالحه کرد. نه اینکه مردم را تحسین کرد و سپس کنار گذاشت. نه اینکه دانشگاه را مصادره کرد، روحانیت را به غول مصرف‌کننده منابع تبدیل کرد.»

او تأکید می‌کند که این بار جامعه ایران، اگرچه زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی است، اما باز هم فعال، هوشیار و بر خوردار از نوعی بلوغ اجتماعی است که اجازه تکرار تاریخ را نمی‌دهد:

او تأکید می‌کند که این بار جامعه ایران، اگرچه زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی و سیاسی است، اما باز هم فعال، هوشیار و بر خوردار از نوعی بلوغ اجتماعی است که اجازه تکرار تاریخ را نمی‌دهد:

تزن

هفت سد مهم کشور با کمتر از ۱۰ درصد آب در وضعیت بحرانی قرار دارند

آب نیست، تدبیر هم نیست

تابستان سخت در راه است؛ منابع آبی پاسخگوی مصرف نخواهند بود

مهدی خاکی فیروز
دبیر گروه اقتصادی



بر کاهش بارندگی با افت سطح مخازن سد ها، در واگرای نگران کننده میان نیاز آبی روزافزون جامعه و ظرفیت واقعی تأمین آب نیز بازتاب یافته است. اگر چه در بسیاری از نقاط جهان با ابزار های هوشمند و سازو کار های اقتصاد آب تلاش می شود مصرف کنترل و منابع بهینه شود، در ایران هنوز بخش عمده ای از سیاست گذاری های آبی درگیر پروژه محور ی، انتقال های بین حوضه ای پرهزینه و نادیده گرفتن اقلیم محلی است.

کاهش بارندگی و افت آب سد ها، بخش قابل رؤیت بحران است. بخش پنهان و نگران کننده تر آن، فرسایش امنیت آبی در مقیاس ملی است. این امنیت آبی، نه تنها به معنای آب شرب برای شهروندان، بلکه متضمن ثبات در تولید کشاورزی، صنایع راهبردی، توسعه شهری و حتی مهاجرت زدایی از روستاهاست. اکنون در آستانه تابستان ۱۴۰۴، کشور با موقعیتی روبه روست که شاید بتوان آن را «پیش در آمد فروپاشی توازن آبی» در بسیاری از حوضه های آبریز دانست. بدون بازنگری فوری و جدی در الگوی مصرف، مدیریت تقاضا و اصلاح سیاست های تخصیص منابع، ممکن است علاوه بر خشک شدن سد ها، با بحران های شدیدتری در حوزه مدیریت منابع آب مواجه شویم.

آب پشت سد ها نیست! در حالی که تنها شش هفته به آغاز تابستان ۱۴۰۴ باقی مانده، جدیدترین گزارش رسمی از وضعیت منابع آبی کشور، تصویری نگران کننده از آینده آب در ایران ارائه می دهد. طبق داده های وزارت نیرو، میزان بارندگی در سال آبی جاری کاهش یافته است و حجم مخازن سد های کشور نیز به طرز هشدار آمیزی کاهش داشته است. این گزارش که به تاریخ ۱۳ اردیبهشت منتشر شده، از خشکی خیزنده ای حکایت دارد که می تواند تابستان را برای بسیاری از استان ها بحرانی کند.

مطابق داده های رسمی، حجم آب موجود در مخازن سد های کشور تنها ۱۸.۱۹ میلیارد متر مکعب است؛ این در حالی است که در همین زمان در سال گذشته این رقم ۲۹.۰۴ میلیارد متر مکعب بود. به بیان دیگر، ظرفیت پرشدگی مخازن اکنون تنها ۲۹ درصد است، که نسبت به ۳۷ درصد سال گذشته، ۸ درصد کاهش نشان می دهد.

همچنین میزان ورودی به مخازن از ابتدای سال آبی (مهر ۱۴۰۳) تاکنون، ۱۷.۱۹ میلیارد متر مکعب بوده که نسبت به ۳۲.۹ میلیارد متر مکعب سال قبل، حدود ۱۷ درصد کاهش داشته است. این در حالی است که خروجی سد ها نیز با کاهش مواجه شده و به ۱۵.۶ میلیارد متر مکعب رسیده که نشان دهنده کاهش ۱۵ درصدی نسبت به سال گذشته است.

هفت سد در وضعیت بحرانی مطابق گزارش رسمی وزارت نیرو، تا تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، هفت سد مهم کشور با میزان پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد در وضعیت بحرانی قرار گرفته اند. این سد ها عبارتند از سد تنگنویه سیرجان (کرمان) با ۸ درصد پرشدگی، سد استقلال (هرمزگان) با ۶ درصد، سد رودبال داراب (فارس) با ۲ درصد، سد ساوه (مرکزی) با ۹ درصد، سد شمیل و نیان (هرمزگان) با یک درصد، سد دوستی (خراسان رضوی) با ۹ درصد، و سد لار (تهران) با ۶ درصد. این ارقام بیانگر آن است که بخشی از منابع تأمین آب شرب کلان شهرهایی مانند تهران، شیراز، بندرعباس و ساوه در آستانه خروج کامل از مدار قرار دارند.

بارندگی کمتر از نرمال در اغلب استان ها از دیگر نکات هشداردهنده، کاهش جدی بارندگی در سراسر کشور است. از ابتدای سال آبی تا ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴، ارتفاع کل ریزش های جوی تنها ۱۳۶۶ میلی متر بوده که نسبت به میانگین بلندمدت ۲۰۳ میلی متر، ۳۳ درصد کاهش و نسبت به مدت مشابه سال آبی قبل (۲۱۸.۶ میلی متر)، ۳۸ درصد کاهش داشته است.

بر اساس رتبه بندی استان ها بر اساس درصد اختلاف با نرمال، وضعیت بحرانی برخی مناطق به شرح زیر است:

هرمزگان: ۸۰ درصد زیر نرمال / سیستان و بلوچستان: ۷۸ درصد زیر نرمال
بوشهر: ۵۴ درصد زیر نرمال / خوزستان: ۴۸ درصد زیر نرمال
کهگیلویه و بویراحمد: ۴۶ درصد زیر نرمال / فارس: ۴۴ درصد زیر نرمال
این آمار علاوه بر این که به معنای کاهش تولید محصولات کشاورزی در این مناطق است، در سایر عرصه ها نیز نمود خواهد داشت و تأمین آب شرب و صنعتی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است.

تهران، فارس، یزد، کلان شهرهایی در بحران خاموش در میان استان های کشور، برخی مناطق پر جمعیت نیز با کاهش جدی بارش مواجه هستند. به عنوان نمونه:

تهران: ۴۰ درصد زیر نرمال / یزد: ۴۴ درصد زیر نرمال / فارس: ۴۴ درصد زیر نرمال
با توجه به تراکم جمعیت و نیاز بالای آبی، تداوم این روند به جیره بندی آب در تابستان منجر می شود. وضعیتی که از هم اکنون باید برای آن برنامه ریزی اضطراری صورت گیرد.

کاهش ورودی آب؛ کاهش فرصت ها کاهش ورودی آب به سدها به معنای کاهش فرصت ها برای ذخیره سازی و مدیریت منابع در ماه های پیش رو است. وقتی بارندگی کم می شود و ذوب برف هم با تأخیر باشد کم اتفاق می افتد، دیگر ابزار های جبران، مانند انبوهان داری یا تغذیه مصنوعی سفره های زیرزمینی، کارایی کامل نخواهند داشت.

وقتی سدها دیگر نقش سد را ایفا نمی کنند یکی از نکات کلیدی در تحلیل منابع آب، این است که کاهش شدید سطح ذخایر سد ها، عملکرد اصلی آنها را تحت الشعاع قرار می دهد. سدهایی که زمانی نقش تنظیم کننده جریان رودخانه ها و تأمین کننده آب کشاورزی و شهری را ایفا می کردند، اکنون صرفاً تبدیل به حوضچه هایی کم عمق شده اند. کاهش ظرفیت سدها همچنین باعث می شود رسوبات بیشتری در کف آنها ته نشین شود که علاوه بر کاهش عمر مفید سد، کیفیت آب ذخیره شده را نیز کاهش می دهد.



سرنوشت اندوه بار رانندگان حادثه انفجار بندر شهید رجایی

ترکش های انفجار بر جان رانندگان

رانندگان همچنان با مشکلات فراوانی پس از انفجار بندر شهید رجایی دست و پنجه نرم می کنند

زن ده از ماشین بیرون بیایم. احساس می کنم خدا جان دوباره ای به من داده است ولی متأسفانه دوستم که مشغول بارگیری بود، در دم جان باخت و من خودم جنازه داش را از میان آوار بیرون آوردم.» او لحظه های نفسگیر پس از انفجار را چنین تعریف می کند: «زمانی که ضربه انفجار به من خورد، از پشت فرمان به کابین عقب کامیون پرت شدم و چند دقیقه ای از هوش رفتم، بعد که به هوش آمدم، دیدم سقف کامیون ترکیده و از آسمان تکه های آهن و گدازه های داغ روی سر و صورت من می ریزد و می سوزاندم. کسی هم نبود که به دادم برسد، کشان کشان توانستم خودم را از کامیون بیرون بیاورم.»
«آه سی می کشد و ادامه می دهد: «در بیمارستان ها و در مانگاه های بندرعباس آنقدر از دحام جمعیت زیاد و تجهیزات و امکانات پزشکی کم بود که مجبور بودند مجروحان را اولویت بندی کنند و آنهایی را که مصدومیت کمتری داشتند، سربایی رد می کردند.»

غم نان اگر بگذارد

پس از آسیب های جانی، ضربه اقتصادی حاصل از این انفجار نیز بالای جان رانندگان شده است که با نابود شدن سرمایه خود در این شرایط سخت اقتصادی مجبورند دوباره از صفر کار خود را آغاز کنند. این راننده درباره دغدغه های فعلی خود چنین توضیح می دهد: «حالا از لحاظ بیمه کامیون ها دچار مشکل شده ایم. شرکت بیمه قیمت ماشین های ما را ۸.۹ میلیارد تومان محاسبه کرده، در حالی که کامیون های ما ۱۲، ۱۳ میلیارد تومان قیمت داشته و ما دیگر نمی توانیم حتی همان ماشین خودمان را دوباره بخریم. ماشین من مدل ولوو FH۵۰۰ متعلق به سال

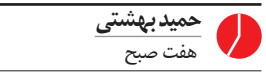
درآمد، هزینه و فرسودگی؛ سه ضلع بحران کامیون داران ایرانی

جاده هایی که نان نمی دهند

چرخ های سنگین کامیون نمی چرخند اگر سفره های رانندگان خالی بماند

بخش بزرگی از درآمد رانندگان صرف هزینه های نگهداری، سوخت و خورد و خوراک می شود

دولت می تواند با کاهش هزینه های جانبی و تقویت حمایت های بیمه ای، شرایط رانندگان را بهبود دهد



صنعت حمل و نقل جاده ای یکی از ارکان حیاتی اقتصاد جهانی است که در ایران نیز نقش اساسی در جابه جایی کالاها ایفا می کند. رانندگان کامیون و تریلی که جاده ها به حمل بار می پردازند، از نظر معیشتی و شرایط کاری چالش های زیادی دارند. این مشکلات به ویژه در کشورهایی مانند ایران که با انقباض اقتصادی روبه روست، بیشتر به چشم می آید. در این گزارش، وضعیت معیشتی رانندگان کامیون و تریلی در ایران و برخی کشورهای دیگر بررسی می شود تا شرایط این قشر زحمتکش و تأثیرات آن بر زندگی روزمره آنها بیشتر روشن شود.

درآمد رانندگان داخلی؛ شرایط مالی در جاده های ایران رانندگان کامیون در ایران با توجه به نوع فعالیت و سطح تجربه خود، درآمد های متفاوتی دارند. حمید مقیمی فعال پیشکسوت صنعت حمل و نقل در این خصوص به هفت صبح گفت: درآمد رانندگان داخلی کامیون ها از ۲۰ میلیون تومان تا ۳۰ میلیون تومان در ماه متغیر است. این تفاوت ها به عواملی مانند تعداد سرویس ها، توانمندی راننده و سابقه کاری او بستگی دارد. در بعضی از شرکت های نیمه دولتی هم یک حقوق پایه دارند و به صورتی تن کیلومتری هم درصدی به حقوق اضافه می شود. هزینه خورد و خوراک

هم با مالک کامیون در داخلی و چه خارجی هست. یعنی رانندگان به صورت صافی حقوق می گیرند. اما آیا این درآمد برای تأمین زندگی رانندگان و خانواده هایشان کافی است؟ رانندگانی که مالک کامیون خود هستند، به ظاهر درآمد بیشتری دارند. اما هزینه های بالای نگهداری کامیون، سوخت، بیمه و دیگر هزینه های جانبی، از درآمد های رانندگان به شدت می کاهد. این شرایط نشان می دهد که بسیاری از رانندگان برای تأمین معیشت خود و خانواده شان با مشکلاتی روبه رو هستند.

تراز نیست بین المللی؛ درآمد بیشتر و چالش های بزرگ تر

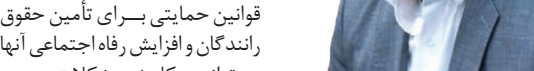
رانندگان تراز نیست که بارهای بین المللی را از ایران به کشورهای دیگر حمل می کنند، درآمد بالاتری دارند. به گفته مقیمی، این رانندگان به ازای هر سرویس، حدود ۵۰۰ یورو دریافت می کنند. درآمد بالا در این بخش (نسبت به داخلی نه نسبت به رانندگان خارجی) به این معناست که رانندگان تراز نیست می توانند از پس هزینه های اضافی همچون خورد و خوراک بر آیند، زیرا این هزینه ها به عهده مالک کامیون است. اگر چه درآمد بالا برای رانندگان تراز نیست به نظر جذاب می آید، اما سفرهای طولانی، ساعات کاری فشرده و خطرات جاده ای، مشکلاتی هستند که رانندگان با آنها مواجه می شوند. در این شرایط، میزان درآمد بالای آنها نمی تواند از فشارهای روحی و

جسمی ناشی از سفرهای طولانی بکاهد.

درآمد رانندگان در کشورهای دیگر؛ مقایسه ای با ایران

در حالی که وضعیت معیشتی رانندگان کامیون در ایران با چالش های زیادی همراه است، متفاوتی دارند. از درآمدهای رانندگان کامیون می توانند سالانه ۵۰ هزار دلار درآمد کسب کنند، که معادل ماهانه ۴ هزار دلار می شود.

این میزان درآمد برای رانندگان در کشورهای پیشرفته، علاوه بر حقوق پایه، شامل بیمه درمانی، بیمه عمر و حقوق بازنشستگی نیز است. در کشورهای اروپایی، درآمد رانندگان کامیون می تواند از ۳ هزار تا ۴ هزار یورو در ماه متغیر باشد. این میزان



حمید مقیمی فعال پیشکسوت صنعت حمل و نقل به هفت صبح گفت: درآمد رانندگان داخلی کامیون ها از ۲۰ میلیون تومان تا ۳۰ میلیون تومان در ماه متغیر است

نیاز به اصلاحات در شرایط کاری رانندگان وضعیت معیشتی رانندگان کامیون و تریلی در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر نیازمند اصلاحات جدی است. رانندگان این بخش از جامعه، که نقش اساسی در حمل و نقل کالاها دارند، باید از حمایت های بیشتری برخوردار شوند تا بتوانند در کنار ارائه خدمات خود، زندگی بهتری داشته باشند. دولت ها و شرکت ها تلاش کنند تا شرایط کاری و درآمدی این قشر را بهبود بخشند و به آنها امکان دهند تا بدون نگرانی از مشکلات مالی، به کار خود ادامه دهند.

مقیمی معتقد است که بسیاری از رانندگان به دلیل ناتوانی در پرداخت این هزینه ها، مجبور به استفاده از کامیون های فرسوده هستند. این مسئله هم بر رانندگان و هم بر کیفیت خدمات حمل و نقل مشکلات مالی، به کار خود ادامه دهند.

مورد	رانندگان کامیون ایران (داخلی)	رانندگان ترانزیت ایران	رانندگان کامیون در ایالات متحده	رانندگان کامیون در اروپا
درآمد ماهانه	۳۰ تا ۳۰ میلیون تومان	۵۰۰ یورو به ازای هر سرویس	۴ هزار دلار	۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ یورو
هزینه های اضافی (خورد و خوراک)	به عهده راننده است	به عهده مالک کامیون	به عهده راننده است	به عهده راننده است
نوع سفر	داخلی (بین شهرها)	بین المللی	بین المللی	بین المللی
ساعات کاری	متغیر	طولانی و فشرده	۸ ساعت در روز	۸ ساعت در روز
وضعیت کامیون ها	غالباً فرسوده	متغیر (بسته به مالک)	معمولاً جدیدتر و بهتر نگهداری شده	معمولاً جدیدتر و بهتر نگهداری شده
حمایت های اجتماعی	محدود	محدود	بالا (بیمه درمانی، بازنشستگی)	بالا (بیمه درمانی، بازنشستگی)

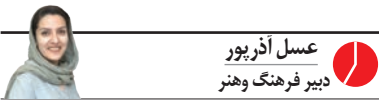
جدال میان هنر، قانون و سلیقه‌های شخصی در وزارت ارشاد بالا گرفت

اعتراض رسمی به مجوز رسمی

● با وجود مجوز های رسمی، اجرای کنسرت هادر برخی شهرها به تصمیمات سلیقه‌ای لغومی شود

● هنرمندان می‌گویند تفاوت رفتار با موسیقی نسبت به سایر بخش‌های ارشاد آشکار است

● وزیر ارشاد از همدلی می‌گوید اما سیاست واحدی برای همه گروه‌های هنری در کشور دیده نمی‌شود



عسل آذرپور
دبیر فرهنگ و هنر

فستیوال کوچه یک شب پس از فاجعه بندرعباس به کار خود پایان داد. با این وجود اظهار نظرات و حواشی حول آن هنوز ادامه دارد. روز گذشته ویدیویی از حضور معترضانی در دفتر اداره کل فرهنگ و ارشاد استان بوشهر منتشر شد که دو نفر معترض را مقابل میز محمدحسین زندویان نشان می‌داد. معترضان عصبانی در مقابل رئیس اداره فرهنگ و ارشاد استان ایستاده‌اند و او را بازخواست می‌کنند. «مجوز این فحشا را شما صادر کردید. هیچ توجیهی وجود ندارد. می‌دانستید چه خواهد شد. نامه اعتراض را همه امضا کردند، نیروی انتظامی و دستگاه امنیتی هم امضا کردند. آیت‌الله صفایی و آیت‌الله حسینی هم گفتند. آقای زندویان باید بگوید این بله که روی کاغذ نوشتید یعنی چی؟»

محمدحسین زندویان که پشت میز ایستاده و به اعتراض این دو نفر گوش می‌دهد، پاسخش این است: «گو قرار است به عنوان یک فعال معترض باشید و درخواستی داشته باشید باید روند قانونی طی شود. وقتی استعلام می‌گیرم می‌بینم می‌توانم بر گزارش کنم، چرا باید جلوی شما را بگیرم؟»

این تازه‌ترین واکنشی است که بعد از یک هفته از تعطیلی فستیوال کوچه منتشر شده و مورد توجه قرار گرفته است. معترضان در اداره کل استان بوشهر با روند قانونی و مجوز بر گزاری کاری ندارند. آن‌ها خواست نادیده گرفته شده امام جمعه، مردم و نهاد‌های امنیتی را بهانه خوبی می‌دانند و در پاسخ به روند قانونی که رئیس کل می‌گوید، دلیل می‌آورند: «مگر تجربه پارسال را نداشتید.»

● **هشدار از فحشا تار سیدن به طاغوت**

اعتراضات جز این ویدیو تازه منتشر شده در یک هفته گذشته از گوشه و کنار می‌رسید. قاسم روان‌بخش، نماینده مردم قم در مجلس، در فرصتی که پشت تربیون قرار گرفت سخنرانی رسایی در خصوص تبعات بر گزاری فستیوال کوچه کرد. «وضعیت فرهنگی کنونی در شأن

افت جهانی فروش آثار هنری؛ اما آثار ایرانی به سهم قابل توجهی رسیدند

سکوت ضرب آهنگ چکش‌های حراج

● فروش‌های آنلاین و خصوصی جایگزین فروش‌های عمومی در حراجی‌ها شده‌اند

● هنرمندان ایرانی با وجود محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی، همچنان در بازارهای جهانی حضور دارند



سما بابایی
هفت صبح

پایین‌ترین سطح در هشت سال گذشته (به جز سال ۲۰۲۰ که جهان درگیر کرونا بود) محسوب می‌شود.

با وجود این آمار عجیب از کاهش فروش آثار باید به این نکته اشاره کرد که این اُفت، بیشتر ناشی از کاهش فروش آثار هنری بازارش‌های بالا و آن دسته از آثاری که قیمت بیش از ۱۰ میلیون دلار داشتند، در ۴۵ درصد کمتر فروخته شدند. اگرچه بخش‌های هنر معاصر و فوق‌معاصر نیز به ترتیب با کاهش‌های ۲۶ درصدی و ۴۳ درصدی روبه‌رو شدند.

در سال میلادی گذشته همچنین فروش‌های عمومی در حراجی‌ها با کاهش ۲۵ درصدی و فروش‌های گالری‌ها با کاهش ۶ درصدی مواجه شدند؛ اما فروش‌های خصوصی توسط خانه‌های حراج با افزایش ۱۴ درصدی نسبت به سال قبل روندی متفاوت را نشان دادند.

با وجود این اُفت کلی، حجم معاملات ۳ درصد افزایش یافت که نشان‌دهنده رشد فروش آثار باقیمت پایین‌تر، به ویژه در بسترهای آنلاین است. در حال حاضر معاملات دیجیتال ۱۸ درصد از بازار را تشکیل می‌دهند. این تحولات نشان می‌دهد که بازار هنر در حال تجربه دگرگونی‌های عمیقی است. از تمرکز بر آثار باارزش بالا به سمت آثار باقیمت‌های پایین‌تر و افزایش نقش فروش‌های دیجیتال و خصوصی. در این میان، هنر همچنان به عنوان آینه‌ای از تحولات اجتماعی و اقتصادی، مسیر خود را در میان چالش‌ها و فرصت‌های نوین می‌پیماید. در این گزارش به عوامل مهم در این باره می‌پردازیم:

● **نقش تحریم بر بازار هنر ایران در جهان**

بازار هنر ایران در مقایسه با بازارهای بزرگ جهانی سهمی اندک دارد، اما این سهم کوچک داستانی بزرگ از تلاش، خلاقیت و مقاومت هنرمندان ایرانی را روایت می‌کند. در سال‌های اخیر هنرمندان ایرانی با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های فراوان، توانسته‌اند در صحنه‌های بین‌المللی حضور یابند و آثار خود را به نمایش بگذارند. تحریم‌های بین‌المللی به ویژه از سوی ایالات متحده اما ارتباط بازار هنر ایران با شبکه‌های جهانی را محدود کرده‌اند. این تحریم‌ها نه تنها بر شکل بازاربایی گالری‌ها تأثیر

هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۲۲ | دوشنبه | ۱۵ اردیبهشت | ۱۴۰۴



سطح ملی نیز هستند؛ در قالب مجمعی صنفی برنامه‌هایی فرهنگی _ هنری را در سه مکان مشخص تدارک دیده و با اخذ مجوز قانونی به اجرا گذاشتند. از سوی دیگر شاهد جمععاتی غیرقانونی در برخی محلات قدیمی شهر بودیم که فاصله محتوایی و حتی جغرافیایی جدی با برنامه‌های دارای مجوز داشت. تفکیک این دو رویداد از یکدیگر در فهم دقیق مسئله و نحوه مواجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.» در ادامه بیانییه، رفتارهای شکل گرفته که دلیل اعتراضات اخیر بوده، بخشی از هنجار شکنی بی‌ارتباط با برنامه‌های دارای مجوز قانونی خوانده شده که اداره کل نیز آن را محکوم می‌کند. در بخش دیگری از بیانییه آمده است: «داره کل پیش از صدور مجوز دست یاری به سوی همه مقامات و مسئولان استان برای پیشگیری از سوءاستفاده احتمالی افرادی فرصت‌طلب در آور کرده و در ادامه نیز بر اقدامات بازدارنده تأکید داشته است.»

● **موضوعات تفکیک نشود، فهم نمی‌شوند**
سرتاجام، پس از اعتراضات و حواشی که تمام نشدند، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، بیانییه صادر کرد. در این بیانه با تأکید بر این نکته که درک دقیق موضوع امر ضروری است آمده: «از یک سو جمعی فریخته از همشهریان که بر خودار از معروفیت و اعتبار در

● **داستان ادامه دار از قبل تا بعد از اتمام**

این سخنان یس‌آور

● **دلایل کاهش فروش بازار جهانی:**

سرمایه گذاری پُرسِک

کارشناسان بر این عقیده‌اند که عوامل متعددی در این کاهش نقش داشته‌اند. از جمله افزایش نرخ بهره، تورم بالا و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی. این عوامل باعث کاهش نقدینگی و افزایش هزینه‌های استقراض شده است و سبب شده تا سرمایه‌گذاران به سمت دارایی‌های با بازدهی ثابت مانند اوراق قرضه سوق پیدا کنند و تمایل به سرمایه‌گذاری در بازار هنر کاهش یابد. می‌توان گفت کاهش بازار آثار دیجیتال و توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) که در سال‌های قبل رشد چشمگیری داشت و طی این مدت ۵۱ درصد کاهش داشت، نیز مبین همین مطلب است. این کاهش ناشی از کم شدن علاقه سرمایه‌گذاران به دارایی‌های پُرسِک در شرایط اقتصادی نامطمئن است و در چنین شرایطی تکلیف بازار هنر مشخص است.

● **دلایل کاهش فروش بازار جهانی:**

جنگ و تنش در جهان

برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند که جنگ‌های جاری در اوکراین و خاورمیانه، همراه با تنش‌های تجاری بین ایالات متحده و چین باعث ایجاد عدم اطمینان در بازارهای جهانی شده‌اند. این وضعیت، خریداران را محتاط‌تر کرده و بر تصمیم‌گیری‌های آن‌ها در خرید آثار هنری تأثیر گذاشته است.

● **دلایل کاهش فروش بازار جهانی:**

افزایش هز ینه‌ها

ازطرفی دیگر تورم و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، اجاره و سایر هزینه‌های عملیاتی، فشار مالی زیادی بر گالری‌ها و خانه‌های حراج وارد کرده است. این شرایط به ویژه برای گالری‌های کوچک و متوسط، چالش‌برانگیز بوده و برخی از آن‌ها را مجبور به تعطیلی کرده است.

در نتیجه بسیاری از فروشندگان به سمت پلتفرم‌های آنلاین روی آورده‌اند که سبب افزایش فروش آنلاین شده که اکنون ۱۸ درصد از بازار را تشکیل می‌دهد، اما این تغییر نتوانسته است کاهش کلی در فروش را جبران کند.

● **دلایل کاهش فروش بازار جهانی:**

تغییر الگوی خرید با نسل جوان

در این میان اما نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که ورود نسل‌های جوان‌تر و خروج کلکسیونرهای مسن‌تر، باعث تغییر در الگوهای خرید و کاهش تقاضا برای آثار باارزش بالا منجر شده است. درواقع با ورود نسل‌های جوان‌تر مانند نسل X و هزاره‌ها به بازار هنر، الگوهای خرید تغییر کرده است. این نسل‌ها تمایل بیشتری به خرید آثار مدرن و با قیمت‌های مناسب‌تر دارند. این موضوع علاوه بر جنبه‌های منفی خود، می‌تواند کارکرد مثبتی نیز داشته باشد. چرا که می‌تواند به دموکراتیزه شدن بیشتر بازار هنر و افزایش دسترسی به آن کمک کند.

▼

شنیده شده «محسن یگانه» برای دریافت مجوز برگزاری کنسرت در سالن فرهنگسرای ی در غرب کشور امکان دریافت مجوز ندارد
او خواننده مجاز و رسمی موسیقی ایران که در طول سال‌های فعالیتش در تمام کشور کنسرت برگزار کرده است، حالا امکان برگزاری کنسرت در یک شهر غربی کشور را ندارد

دام تشنه آرای موجود در جامعه نشان داد که باید به بهانه هنرشان مورد توجه، حمایت و همدلی قرار بگیرند. وزیر این باور را در مسائل دیگر نیز بروز داده است. چندی پیش صالحی به بهانه برگزاری تجمعات بدون مجوز که بی‌هیچ در دسری انجام می‌شد و حتی به تحصن‌های مدت‌دار می‌رسید در شبکه ایکس خود نوشت: «از مسائلی که هم‌چنان لاینحل است، نظام دوگانه در برگزاری تجمعات و راهپیمایی هاست که اگر نیاز به مجوز دارد، برای همه و اگر نیاز به مجوز ندارد هم برای همگان باشد».

● **داستان از «کوچه» شروع و به «کوچه» ختم‌شد**

او شعار دولت جدید را در تمام ارکان قابل اجرا می‌داند. اگر قرار بر وفاق و همدلی است پس باید در همه عرصه‌ها و به همه گروه‌ها یکسان نگاه کرد. با وجود تلاش‌هایی که وزیر و سایر همکارانش در وزارت ارشاد می‌کنند، داستان برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی بسیار متفاوت‌تر از سایر بخش‌های این وزار تخانه است. هنوز مجوزهای صادر شده در شهرستان‌های ایران با نظر یک شخص ملغی می‌شوند. هنوز بسیاری از هنرمندان موسیقی ایران با وجود برگزاری کنسرت در پایتخت و بسیاری از شهرهای ایران، در برخی از شهرها امکان برگزاری ندارند. در همین روزها که فستیوال موسیقی کوچه با عناوینی چون اشاعه فحشا هنوز مورد انتقاد است؛ شنیده شده «محسن یگانه» برای دریافت مجوز برگزاری کنسرت در سالن فرهنگسرای در غرب کشور امکان دریافت مجوز ندارد. محسن یگانه خواننده مجاز و رسمی موسیقی ایران که در طول سال‌های فعالیتش در تمام کشور کنسرت برگزار کرده است، حالا امکان برگزاری کنسرت در یک شهر غربی کشور را ندارد. در شهر دیگری از ایران به برگزاری کنسرت به خواننده جوان دیگری که روی سن سالن میلاد اجرا داشته، مجوز داده نمی‌شود. دلیل این عدم موافقت شاد بودن آهنگ‌های این خواننده است!

● **ضرورت تبعیت از قانون**

تا زمانی که وزارت ارشاد به عنوان متولی اصلی امکان ضمانت مجوزهایش را نداشته باشد، تا زمانی که مجوزهای وزارت ارشاد که از هر معاونتش صادر می‌شود ضرورت تبعیت با خود همراه نکند؛ بعداً است ورودهای شخصی وزیر ارشاد با نگاه همدلانه او به تنهایی کاری از پیش نبرد. تا زمانی که متولیان و صاحب‌نظران عرصه فرهنگ و هنر دایره‌ای به بزرگی تکتک شهرهای ایران دارند.

مهم‌ترین بازارهای هنری جهان

در سال ۲۰۲۴

با تمام اُفت و خیزهای بازار هنر در سال گذشته، آمریکا با سهم ۴۳ درصدی از بازار جهانی همچنان بزرگ‌ترین بازار هنر در جهان باقی‌ماند. اگرچه فروش در این کشور نسبت به سال قبل ۹ درصد کاهش یافته و به ۲۴.۸ میلیارد دلار رسیده است. این اُفت به ویژه در فروش آثار هنری باارزش بالا محسوس به نظر می‌رسد. بعد از آمریکا، بریتانیا با سهم ۱۸ درصدی، جایگاه دوم‌ادر بازار جهانی هنر به دست آورده است. فروش در این کشور به ۱۰.۴ میلیارد دلار رسید که آن هم نسبت به سال قبل ۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

در رتبه بعدی چین با سهم ۱۵ درصدی جایگاه سوم بازار جهانی هنر را از آن خود کرده است. نکته مهم این است که در این کشور نیز فروش با کاهش ۳۱ درصدی به ۸.۴ میلیارد دلار رسیده است. برخی این اُفت را به دلیل کندی رشد اقتصادی و مشکلات در بازار املاک چین می‌دانند. فرانسه با سهم ۷ درصدی چهارمین بازار بزرگ هنر در جهان بود. فروش در این کشور به ۴.۲ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد.



▼

هنرمندان ایرانی در بازارهای بین‌المللی با ۱۸۱ اثر شرکت کردند. میانگین سنی این هنرمندان ۶۵.۵ سال بود که نشان دهنده حضور هنرمندان باتجربه در این عرصه است

▼

جنگ‌های اوکراین و خاورمیانه، تنش‌های تجاری بین ایالات متحده و چین باعث ایجاد عدم اطمینان در بازارهای جهانی شده‌اند.

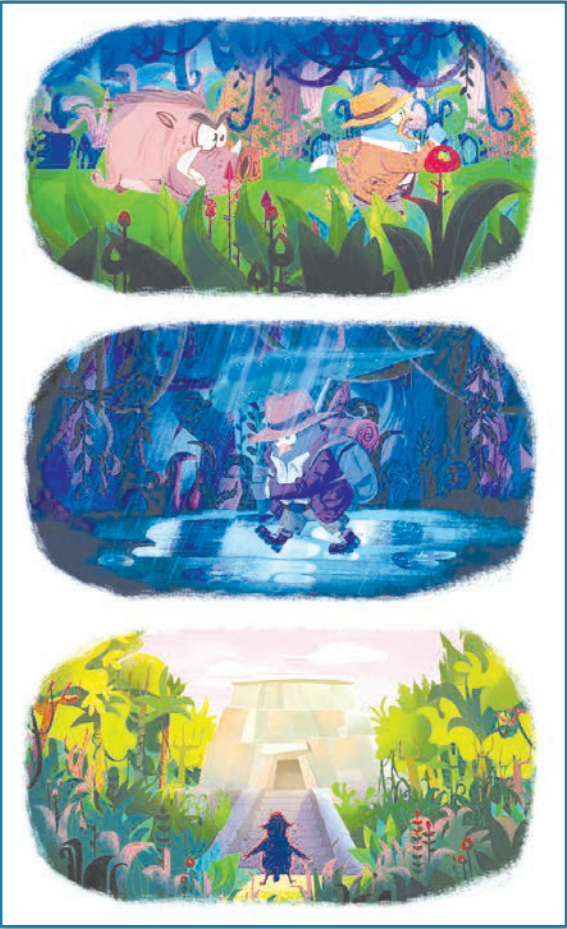
▼

ورود نسل‌های جوان‌تر مانند نسل X و هزاره‌ها به بازار هنر، الگوهای خرید تغییر کرده است. این نسل‌ها تمایل بیشتری به خرید آثار مدرن و با قیمت‌های مناسب‌تر دارند



۷

بابک نکویی: دانش آموزان معمولاً بعد از هنرستان می خواهند به تحصیلات ادامه دهند، دچار سردرگمی می شوند چون رشته هنر ستان نشان که همان علاقه مندی شان بوده است در دانشگاه وجود ندارد



به عکس دانشجویانی که از رشته های هنری وارد ارشد انیمیشن می شوند بیشتر بی ادعا هستند و برای یادگیری تلاش می کنند. در این سال ها شاهد بوده ایم که فیلمسازان مستقلی که از دل کارشناسی ارشد بیرون آمده اند، بهترین جوایز دنیا را کسب کرده اند، مخالفان نمی خواهند این فرصت و فضا از دست برود و هویت ارشد تبدیل شده به پژوهش صرف، چون در حال حاضر فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد انیمیشن علاوه بر نوشتن پایان نامه، انیمیشن هم می سازند»

«**نبود مراکز آموزشی انیمیشن، لزوم راه اندازی مقطع کارشناسی دانشگاه**

جالب است بدانید که در بریتانیا و برخی کشورهای اروپایی نیز بسیاری از نقش های ورودی در استودیو ها بر پورتفولیو و مهارت های فنی تأکید دارند و الزامی برای مدرک کارشناسی ارائه نمی دهند. شبکه Screenskills انگلستان موارد متعددی از موقعیت های Junior Animator بدون نیاز به مدرک دانشگاهی ذکر کرده است. با این حال، برای ادامه تحصیل (اروپا و آمریکا) یا اخذ ویزاهای کاری/تحصیلی بین المللی، مدرک کارشناسی اغلب حداقل شرط محسوب می شود. در ژاپن هم دانش اموختگان Senmon Gakkō (کالج های حرفه ای) چنانچه توسط استودیو های انیمیشن استخدام شوند، می توانند ویزا دریافت کنند و مستقیماً وارد بازار کار شوند. نیازی به مدرک چهار ساله دانشگاهی نیست. اما در ایران به دلیل نبود کالج ها با مراکز آموزشی انیمیشن تنها محل تربیت نیروی انسانی دانشگاه است که نقش این زنجیره تحصیلی در طی این سال ها مشکلات بسیاری برای صنعت انیمیشن به وجود آورده است. اگرچه هنرستان ها و دوره های ارشد نقش مهمی در تربیت انیماتور دارند، بدون پایه کارشناسی، فرایند آموزش ناقص می ماند و تأثیر منفی بر رشد صنعت و فرصت های شغلی می گذارد. انتقاد و مطالبه برای ایجاد این دوره، گامی ضروری در توسعه اکوسیستم انیمیشن ایران است.

«**بازار انیمیشن نیاز مند مهارت است نه مدرک تحصیلی**

علیرضا گلپایگانی نظر متفاوتی دارد. او معتقد است دوره کارشناسی، دوره پرورش نیروی کار فنی نیست: «ورود نیروی کار رشته های هنری به بازار کار الزامی به داشتن مدرک تحصیلی ندارد. بسیاری از استودیو ها از این هنرمندان مدرک تحصیلی نمی خواهند، بیشتر از مدرک، مهارت آن ها و تجربه هایشان است که مورد ارزیابی برای استخدام قرار می گیرد.» اما به نظر می رسد بازار کار انیمیشن دچار کمبود نیروی ماهر است و این نکته ای است که گلپایگانی روی آن تأکید می کند: «آنها انتظار دارند که دانشگاه نیروی کار تربیت کند. در کشور روسیه که سابقه افتاد ساله تدریس انیمیشن دارند، این روش وجود داشته که آن ها حتی دوره های ۷ ساله طراحی کرده اند که خروجی نهایی آن، نیروهای کار با اپراتوری است که در استودیو تولیدکننده انیمیشن به کار گرفته شود. جالب است بدانید که اصلاً به این افراد کارگردانی تدریس نمی شود و این دانشگاه بزرگ ترین تأمین کننده نیروی کار استودیو های اروپایی بود.» او سوالی مطرح می کند، وظیفه دانشگاه چیست، تربیت نیروی متخصص کار یا هنرمند؟ او پاسخ می دهد که: «در کشورهای آمریکا و ژاپن که بزرگ ترین تولیدکنندگان انیمیشن هستند، نیروی کار را کالج ها تأمین می کنند و دانشگاه در واقع محلی است برای پژوهش و مسائل تئوری و نظری. جایی که هنر انیمیشن ارتقا پیدا می کند.» گلپایگانی می گوید که موافق یا مخالف راه اندازی دوره کارشناسی نیست. او فکر می کند بهترین اتفاق این است که به صورت ارگانیک با بالا رفتن تقاضای دانش آموزان این مقطع ایجاد شود. «من ۲۷ سال است که انیمیشن تدریس می کنم و می دانم که به این دلیل برخی مخالفت می کنند که در این سال ها ما دانشجویان بسیار موفق داشته ایم که از رشته های دیگر به انیمیشن آمده اند. آن ها به خاطر رشته تحصیلی قبلی که داشتند افراد منظم تری هستند و



روانبخش صادقی: نبود این مقطع به دانشجویان فارغ التحصیل رشته انیمیشن صدا و سیما آسیب زده است. وقتی وارد مقطع ارشد می شوند، توقع دارند با آموزش متفاوت تری روبه رو شوند همه چیز از ابتدا آموزش داده می شود



وقف چیزی کنم که نمی خواهم. دوره کارشناسی ارشد اصلاً زمان خاک خوری نیست. دورانی است که شما می خواهید پژوهش کنید نه اینکه مهارت یاد بگیرید.» شاید به همین دلیل است که بارها گردانندگان استودیو های انیمیشن بیان کرده اند که فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد علاقه ای به کار در استودیو ها به عنوان نیروی کار ندارند و می خواهند اثر خودشان را بسازند. در واقع وجود مقطع ارشد کمکی به افزایش نیروی کار نمی کند. نکویی که از جمله اساتید انیمیشنی است که سال هاست پیگیر راه افتادن مقطع کارشناسی انیمیشن است، می گوید: «تصویب این مقطع به جاهای خوبی رسیده است. راه اندازی این دوره کمک می کند کسانی که به خاطر تحصیل یک رفتار اجتماعی درست است که در می کردند، بتوانند در کشور خودشان آموزش ببینند. البته اسکار سال گذشته شیرین سوهانی و حسین ملایمی هم بی تأثیر نبود. حالا دانشگاه ها بیشتر پذیرای انیمیشن هستند.» طبق گفته او علاقه مندان رشته انیمیشن در هر صورت باید مهاجرت می کردند یا به خارج از کشور یا به رشته ای که دوستش

دادن منصرف کردم. برای اینکه آن ها به این مراکز فرستاده می شدند تبدیل به گرافیکست مجموعه می شدند. آنها کمترین حقوق را دریافت می کردند به همین دلیل گرایش به خواندن این رشته از بین رفت.» این طور شد که مقطع کارشناسی انیمیشن از این دانشکده حذف شد و نام دیگری گرفت. گلپایگانی می گوید: «رشته ای با عنوان هنرهای دیجیتال شکل گرفت که دو گرایش گرافیکست دیجیتال و انیمیشن دیجیتال داشت که بازم از فارغ التحصیلان این رشته، فیلمسازان مستقلی بیرون نیامدند. انگار طراح این دوره تحصیلی بیشتر پرورش دهنده کارمند یا اپراتور بود تا فیلمساز.»

«**علاقه مندان انیمیشن سردرگم بودند: مهاجرت تنها راهشان بودا**

نکویی هم بیان می کند نبود مقطع کارشناسی خلأ بزرگی بین دوران هنرستان و دانشگاه ایجاد کرده است: «دانش آموزان معمولاً بعد از هنرستان

می خواهند به تحصیلات ادامه دهند. این یک رفتار اجتماعی درست است که در جامعه ما اتفاق می افتد و خانواده ها هم از فرزندان شان حمایت می کنند. اما آن ها دچار سردرگمی می شوند چون رشته هنرستان نشان که همان علاقه مندی شان بوده است در دانشگاه وجود ندارد.» در اکثر مواقع آن ها پیشنهاد می کنند که علاقه مندان، گرافیک و هنر بخوانند تا بتوانند در مقطع ارشد وارد رشته انیمیشن بشوند، اما اجبار به انتخاب رشته دیگر باعث می شود زمان طلایی آموزش این هنرمندان تلف شود. نکویی تأکید می کند: «خود من وقتی بهم گفتند باید گرافیک بخوانی واقعا ناراحت بودم و فکر می کردم چرا باید چهار سال از زندگی ام را

دکتری هستند از طرف دیگر دانشگاه ها بیشتر از راه اندازی دوره کارشناسی به راه اندازی دوره های تحصیلات تکمیلی علاقه دارند. بنابراین انیمیشن در فضای آکادمیک ایران از مقطع ارشد آغاز شد.»

«**کاردانی را فقط برای ارتقا کارمندان دولت تشکیل دادند**

نکویی درباره شکل گیری مقطع کاردانی انیمیشن در دانشگاه این طور توضیح می دهد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کار در مقطعی تصمیم گرفتند دوره های پودمانی برای آن دسته از کارمندان دولت طراحی کنند که مدرک دیپلم داشتند و می خواستند با گرفتن مدرک فوق دیپلم از نظر حقوقی ارتقا پیدا کنند.» طبق گفته او این دوره ها بسیار فشرده بودند و به صنایع مختلف اجازه می دادند که تخصصی های مورد نیاز خودشان را تبدیل به رشته تحصیلی کنند. اتفاقاً از این دوره ها هم استقبال می شود، چون ورود به این دوره ها نیاز به شرکت در کنکور نداشته و فقط با شرط معدل افراد پذیرفته می شدند: «اما بعد از مدتی وزارت علوم وارد این بحث شد که اصلاً این دو وزارت خانه حق نداشتند چنین دوره های آموزشی را برقرار کنند. به همین دلیل این دوره های پودمانی با بازنویسی تبدیل به دوره های ترکیب شد و به کاردانی ناپيوسته تبدیل شد. البته بعدش هم یک دوره طراحی کردن تا کسانی که این دوره ها را می گذراندند بتوانند لیسانس بگیرند.»

«**چرا هنوز مقطع کارشناسی انیمیشن وجود ندارد؟**

با این تاریخچه آموزشی و با توجه به اینکه در حال حاضر در هنرستان رشته انیمیشن وجود دارد و مقطع کارشناسی ارشد هم فیلمسازان مستقل بسیار خوبی در طی این سال ها تربیت کرده است، بزرگترین سवाल این است که ما چه نیازی به مقطع کارشناسی داریم و چرا در وزارت علوم تصویب این مقطع به تعویق افتاده است؟»

«**دانشجویان مقطع ارشد از یک مسیر و یک سطح نیستند**

روانبخش صادقی، اسستاد دانشگاه سوره و پارسه و از کارگردانان انیمیشن ایران که از فارغ التحصیلان کارشناسی انیمیشن دانشکده صدا و سیماست، در این باره می گوید: «نبود این مقطع به دانشجویان فارغ التحصیل رشته انیمیشن صدا و سیما آسیب زده است. چون آن ها چهار سال انیمیشن خوانده اند و وقتی وارد مقطع ارشد می شوند، توقع دارند با آموزش متفاوت تری روبه رو شوند اما می بیند که دوباره همه چیز از ابتدا آموزش داده می شود.» صادقی به دانشجویانی اشاره می کند که یک نیروی انیماتور حضور می داشت.» تلویزیون پخش شده است و مجبور هستند کنار کسانی دوره کارشناسی ارشد را بگذرانند که از رشته های دیگر به این مقطع آمده اند و با انیمیشن بیگانه هستند: «چند دانشجو را من از انصراف

«**مقطع ارشد: برای هدف ارتقا رشته انیمیشن**

علیرضا گلپایگانی، رئیس دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و مدیرعامل استودیو انیمیشن «حرکت کلیدی»، ماجرای شکل گیری کارشناسی ارشد انیمیشن در ایران را این طور تعریف می کند: «هر رشته ای که بخواهد وارد دانشگاه شود، ابتدا مقطع بالاتر آن راه اندازی می شود. چون باید نیروی آموزشی تربیت شود که بتواند دوره کارشناسی را تدریس کند. کسی که دارای مدرک کارشناسی ارشد است، می تواند استاد دوره کارشناسی بشود. به این شکل بود که یکی، دو سال پیش از انقلاب اسلامی با اهمیت نورالدین زرین کلک از بزرگان انیمیشن ایران، رشته کارشناسی ارشد در دانشگاه فارابی راه اندازی می شود. طبق گفته گلپایگانی، طرح درس الهام گرفته از بهترین دانشگاه های آمریکایی است. «در آن دوران هم هدف از راه اندازی دوره کارشناسی ارشد تربیت نیروی کار نبود، بلکه بحث ارتقا انیمیشن در ایران بود.» با انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاه ها، برگزاری کارشناسی ارشد انیمیشن هم متوقف می شود. اواخر سال ۱۳۶۹، دانشگاه ها دوباره باز می شوند و علیرضا گلپایگانی جزو اولین افرادی است که در این مقطع تحصیل می کند.

«**مقطع ارشد: از محدودیت دانشگاه تا علاقه به تحصیلات تکمیلی**

بابک نکویی، استاد دانشگاه تهران و مدیرعامل استودیو انیمیشن «گنبد کبود» هم بیان می کند که راه اندازی کارشناسی ارشد انیمیشن برای نشان دادن اهمیت این رشته بود: «در آن مقطع زمانی، دانشگاه رفتن بسیار سخت بود. چون فقط دانشگاه دولتی وجود داشت و ظرفیت این دانشگاه ها هم نسبت به جمعیت جوان آن دوره بسیار محدود بود. بنابراین راهیابی به ارشد یک رویای دست نیافتنی بود.» او با اشاره به ضرورت وجود داشتن هیأت علمی برای تأسیس هر رشته در دانشگاه می گوید: «هیأت علمی هر رشته دانشگاهی باید از اعضای تشکیل شود که دارای مدرک

دکتری هستند از طرف دیگر دانشگاه ها بیشتر از راه اندازی دوره کارشناسی به راه اندازی دوره های تحصیلات تکمیلی علاقه دارند. بنابراین انیمیشن در فضای آکادمیک ایران از مقطع ارشد آغاز شد.»

«**کاردانی را فقط برای ارتقا کارمندان دولت تشکیل دادند**

نکویی درباره شکل گیری مقطع کاردانی انیمیشن در دانشگاه این طور توضیح می دهد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کار در مقطعی تصمیم گرفتند دوره های پودمانی برای آن دسته از کارمندان دولت طراحی کنند که مدرک دیپلم داشتند و می خواستند با گرفتن مدرک فوق دیپلم از نظر حقوقی ارتقا پیدا کنند.» طبق گفته او این دوره ها بسیار فشرده بودند و به صنایع مختلف اجازه می دادند که تخصصی های مورد نیاز خودشان را تبدیل به رشته تحصیلی کنند. اتفاقاً از این دوره ها هم استقبال می شود، چون ورود به این دوره ها نیاز به شرکت در کنکور نداشته و فقط با شرط معدل افراد پذیرفته می شدند: «اما بعد از مدتی وزارت علوم وارد این بحث شد که اصلاً این دو وزارت خانه حق نداشتند چنین دوره های آموزشی را برقرار کنند. به همین دلیل این دوره های پودمانی با بازنویسی تبدیل به دوره های ترکیب شد و به کاردانی ناپيوسته تبدیل شد. البته بعدش هم یک دوره طراحی کردن تا کسانی که این دوره ها را می گذراندند بتوانند لیسانس بگیرند.»

«**چرا هنوز مقطع کارشناسی انیمیشن وجود ندارد؟**

با این تاریخچه آموزشی و با توجه به اینکه در حال حاضر در هنرستان رشته انیمیشن وجود دارد و مقطع کارشناسی ارشد هم فیلمسازان مستقل بسیار خوبی در طی این سال ها تربیت کرده است، بزرگترین سवाल این است که ما چه نیازی به مقطع کارشناسی داریم و چرا در وزارت علوم تصویب این مقطع به تعویق افتاده است؟»

«**دانشجویان مقطع ارشد از یک مسیر و یک سطح نیستند**

روانبخش صادقی، اسستاد دانشگاه سوره و پارسه و از کارگردانان انیمیشن ایران که از فارغ التحصیلان کارشناسی انیمیشن دانشکده صدا و سیماست، در این باره می گوید: «نبود این مقطع به دانشجویان فارغ التحصیل رشته انیمیشن صدا و سیما آسیب زده است. چون آن ها چهار سال انیمیشن خوانده اند و وقتی وارد مقطع ارشد می شوند، توقع دارند با آموزش متفاوت تری روبه رو شوند اما می بیند که دوباره همه چیز از ابتدا آموزش داده می شود.» صادقی به دانشجویانی اشاره می کند که یک نیروی انیماتور حضور می داشت.» تلویزیون پخش شده است و مجبور هستند کنار کسانی دوره کارشناسی ارشد را بگذرانند که از رشته های دیگر به این مقطع آمده اند و با انیمیشن بیگانه هستند: «چند دانشجو را من از انصراف

«**انیمیشن در صدا و سیما برای اپراتور پروری بود**

علیرضا گلپایگانی هم درباره تاریخچه شکل گیری کارشناسی انیمیشن در دانشگاه صدا و سیما می گوید: «بعد از راه اندازی صدا و سیما، دانشکده ای تأسیس شد تا نیروی انسانی مورد نیاز خودش را تربیت کند. انیمیشن هم یکی از نیازهای صدا و سیما بود و براساس چارت این سازمان در هر مرکز صدا و سیما باید یک نیروی انیماتور حضور می داشت.» تلویزیون پخش شده است و مجبور هستند کنار کسانی دوره کارشناسی ارشد را بگذرانند که از رشته های دیگر به این مقطع آمده اند و با انیمیشن بیگانه هستند: «چند دانشجو را من از انصراف



علیرضا گلپایگانی: ورود نیروی کار رشته های هنری به بازار کار الزامی به داشتن مدرک تحصیلی ندارد. بسیاری از استودیو ها، بیشتر از مدرک مهارت آن ها و تجربه هایشان را مورد ارزیابی قرار می دهند

>

قطعات تقلبی، جان مردم، سود واسطه‌ها

بمب ساعتی خیابان چراغ‌برق



بازار قطعات یدکی خودرو در ایران این روزها بیش از همیشه آشفته است؛ بازاری که هم تولیدکننده داخلی از آن ناراضی ست، هم واردکننده رسمی و در نهایت مصرف کننده‌ای که هیچ‌وقت نمی‌فهمد دقیقا چه چیزی برای خودرویش خریده است. در دل این آشفته‌بازار، قطعات تقلبی و بی‌هویت

دنده‌عقب

شورولت بل‌ایر ۱۹۵۷: نمادی از خودروی کلاسیک در جهان



در میان خودروهای کلاسیک آمریکایی، شورولت بل‌ایر ۱۹۵۷ به عنوان یکی از نمادهای واقعی خودرویی دهه ۵۰ میلادی شناخته می‌شود. این خودرو نه‌تنها به دلیل طراحی منحصر به فردش بلکه به خاطر قدرت فنی و ویژگی‌های فنی برجسته‌ای که در آن زمان داشت، به یکی از محبوب‌ترین مدل‌های تاریخ خودرو تبدیل شد.

❖ **مشخصات فنی**

شورولت بل‌ایر ۱۹۵۷ در دو نسخه موتور مختلف عرضه می‌شد: موتور شش سیلندر ۲/۹ لیتری و موتور ۷۸ بر طرفیت ۴/۳ لیتری که در مدل‌های بالاتر قرار داشت. قدرت موتور ۷۸ به ۱۶۲ اسب بخار می‌رسید که برای آن زمان فوق‌العاده بود. استفاده از گیربکس دستی ۳ سرعته یا گیربکس اتوماتیک Powerglide نیز به رانندگان امکان می‌داد تا تجربه‌ای نرم و قابل اعتماد از جاده‌ها داشته باشند.

❖ **طراحی بی‌رونی**

طراحی شورولت بل‌ایر ۱۹۵۷ به عنوان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این خودرو شناخته می‌شود. بدنه بلند و شیک، جلوپنجره کرومی و خطوط منحنی در طراحی خودرو، جلوه‌ای منحصر به فرد به آن می‌بخشید. رنگ‌های متنوعی مانند قرمز و سفید، آبی و سفید و مشکی و نقره‌ای به خودرو زیبایی خاصی می‌دادند که هر کدام در آن زمان طرفداران خاص خود را داشتند. از ویژگی‌های بارز طراحی بیرونی می‌توان به چراغ‌های عقب که به صورت برجسته و بزرگ طراحی شده‌اند، اشاره کرد. این طراحی به بل‌ایر شخصیتی ویژه و هویت بصری منحصر به فردی می‌بخشید که تا به امروز نیز در یاد علاقه‌مندان خودرو باقی مانده و این خودرو را به یکی از اصلی‌ترین نمادهای خودروی کلاسیک در جهان تبدیل کرده است.

❖ **طراحی داخلی**

داخل کابین بل‌ایر ۱۹۵۷ فضایی لوکس و راحت به راننده و سرنشینان ارائه می‌داد. صندلی‌های چرمی با دوخت‌های برجسته، داشبورد کرومی و تزئینات رنگارنگی که به شکلی هنرمندانه با رنگ‌های بدنه هماهنگ بودند، ظاهر داخلی خودرو را جذاب و دلپذیر کرده بودند.

❖ **نکات جذاب**

بل‌ایر ۱۹۵۷ نه‌تنها به عنوان یک خودرو، بلکه به عنوان نمادی از دوران طلایی صنعت خودروسازی آمریکا شناخته می‌شود. این خودرو در زمان خود یکی از پرفروش‌ترین مدل‌ها بود و در خیابان‌های آمریکا جلوان می‌داد. در ایران نیز، شورولت بل‌ایر به عنوان یک خودروی خاص و با طراحی جذاب شناخته شد.

بسته قطعه ساخت چین را به‌جای برند آلمانی جای‌زنند. نتیجه؟ برند رسمی به گرانی متهم می‌شود و فیک‌ها، بازار را فتح می‌کنند.

❖ **تولیدکننده داخلی: بدون ابزار، بدون حمایت**

در آن‌سوی میدان، تولیدکننده داخلی هم حال و روز خوبی ندارد. قطعه‌ساز ایرانی در سال‌های اخیر زیر فشار افزایش نرخ مواد اولیه، تورم افسارگسیخته و تحریم‌های چندلایه، عملاً زمینگیر شده است. بسیاری از قطعه‌سازان حتی امکان رقابت قیمتی با کالای قاچاق یا فیک را ندارند، چه برسد به رقابت کیفی. یکی از فعالان این حوزه می‌گوید: «نه از دولت حمایت فنی داریم، نه مالی؛ از اون طرف هم مشتری به قطعه ایرانی اعتماد نداره، چون برند نداره.» وقتی‌ساز برند داخلی دیده نمی‌شود، طبیعی است که مشتری به سمت بسته‌بندی درخشان و نام‌های آشنا اما جعلی تمایل پیدا کند.

❖ **بازار برندهای فیک: ظاهر اروپایی، باطن چینی**

یکی از اصلی‌ترین بحران‌های بازار قطعه، وفور بسته‌بندی‌های جعلی با برندهای بین‌المللی است. واردکنندگان متقلب یا حتی برخی مونتاژکنندگان داخلی، قطعات بی‌کیفیت چینی را با نام‌هایی مانند BOSCH، Valeo، LUK و KYB عرضه می‌کنند. در بسیاری از موارد، حتی QR code روی بسته هم جعلی ست یا به سایت‌های نامعتبر وصل می‌شود. مصرف‌کننده، مکانیک و حتی فروشنده خرد در بازار، قدرت تشخیص اصل و تقلبی را از دست داده‌اند. همین فضا باعث شده اعتماد عمومی به قطعه اصل به‌شدت کاهش یابد؛ نتیجه‌ای که به ضرر همه بازیگران واقعی بازار است.

❖ **مصادیق بر تکرار بالا‌های فیک: از لنت ترمز تا فیلتر روغن**

تعمیر و اضطراب خرابی خودرو در مواقع حساس هم به زیان مردم اضافه می‌شود. این وضعیت منجر شده تا مردم ندانند که باید چه کنند. اگر صفحه کلاچ خارجی به اسم وارداتی بخرند، باید چند میلیون بیشتر بپردازند اما در ۹۰ درصد مواقع این قطعات تقلبی هستند و زودتر خراب می‌شوند. قطعات داخلی و شرکتی نهایت عمر مفیدشان فراتر از یک‌سال نیست و مشکل بزرگ‌تر این است که کیفیت کلی قطعات مصرفی به شکلی ملموس دچار افت شده است.

❖ **قانون هست، اجرا نیست**

قانون، در ظاهر، سفت‌وسخت است. واردات قطعات باید با شناسه رهگیری، گواهی اصالت و ثبت در سامانه جامع تجارت انجام شود اما در عمل، بسیاری از این الزامات یا دور زده می‌شوند، یا مالک برای جبران این زیان باید موتور خودرو را تعویض کند یا به‌زینهای معادل تعویض موتور را صرف تعمیر آن کند.

❖ **ناراضی‌تی مکرر، هزینه مضاعف، اعتماد از دست رفته**

تجربه بسیاری از مصرف‌کنندگان به یک چرخه تکراری و تلخ ختم می‌شود: خرید قطعه‌ای با برچسب برند، نصب آن با صرف هزینه و زمان و بعد از تنها شش ماه که باید چند سال دوام بیاورد، ناگهان در ترافیک شهری از کار می‌افتد. لنت ترمزی که خیال‌راننده را راحت می‌کند، صدا می‌دهد یا زود تمام می‌شود. یک یا یک سال، خرابی مجدد، صفحه‌کلاچی که باید چند سال دوام بیاورد، ناگهان در ترافیک شهری از کار می‌افتد. لنت ترمزی که خیال‌راننده را راحت می‌کند، صدا می‌دهد یا زود تمام می‌شود. مشتری رمانده است؛ نه راهی برای پیگیری دارد، نه اعتمادی برای خرید بعدی. حتی وقتی به سراغ برند خارجی می‌روند، می‌بینند همان قطعه تقلبی این بار فقط با قیمت بالاتری عرضه شده است. بدتر اینکه هزینه مکانیک، زمان

معرفی ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶:

قدرت‌هیبریدی با عملکرد استثنایی

ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶ برای نخستین بار به بازار آمریکا عرضه شد و به‌عنوان اولین مدل M۵ واگن در این بازار شناخته می‌شود.

این خودرو با بهره‌گیری از فناوری هیبریدی و قدرتی بی‌نظیر، جایگاه ویژه‌ای در میان علاقه‌مندان به خودروهای اسپرت و لوکس پیدا کرده است.

ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶ مجهز به موتور ۴/۴ لیتری توربو دوگانه ۷۸ و یک موتور الکتریکی است که مجموعاً قدرتی معادل ۵۳۴ کیلووات (۷۲۵ اسب بخار) و گشتاور ۱۰۰۰ نیوتن‌متر تولید می‌کند. این قدرت توسط سیستم چهار چرخ‌محرك به تمامی چرخ‌ها منتقل می‌شود و امکان انتقال تمام نیرو به محور عقب نیز وجود دارد. خودرو همچنین توانایی حرکت با نیروی الکتریکی به مدت ۴۰ کیلومتر با سرعت حداکثر ۱۴۰ کیلومتر در ساعت را دارد.

با وزن ۲/۵۱۰ کیلوگرم، ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶ نسبت به سدان M۵ سنگین‌تر است.

هر چند در آزمایش‌های مختلف، وزن این مدل کمی کمتر از ۲/۴۷۰ کیلوگرم اندازه‌گیری شده است. در مقایسه با رقبای خود مانند Audi RS۶ Avant که وزن کمتری دارد، این خودرو از نظر وزن کمی سنگین‌تر است.

سدان M۵ ۲۰۲۲ داشته باشد. این خودرو در آزمایش‌های پیچ‌ها ۰/۶ ثانیه کندتر از مدل‌های سدان عمل کرد و همچنین در تست حلقه هشت‌گانه نیز ۰/۵ ثانیه کندتر از مدل‌های دیگر M۵ بود. با این حال، سیستم چهار چرخ محرک و ویژگی‌های دینامیک جاده‌ای این خودرو باعث شده که همچنان عملکرد رضایت‌بخشی در پیچ‌ها و جاده‌های پرپیچ‌وخم داشته باشد.

❖ **سیستم هیبریدی و تکنولوژی‌های پیشرفته**

ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶ از سیستم هیبریدی پیشرفته‌ای استفاده می‌کند که امکان حرکت با نیروی الکتریکی تنها به مدت ۴۰ کیلومتر را فراهم می‌آورد. این سیستم به راننده این امکان را می‌دهد که در مواقعی که نیازی به مصرف سوخت نیست، از انرژی الکتریکی استفاده کند. علاوه بر این، سیستم چهار چرخ محرک این خودرو در تنظیم قدرت میان چرخ‌ها به راننده کمک می‌کند تا پایداری و چسبندگی بهتری را در جاده‌ها تجربه کند.

❖ **جمع‌بندی: ترکیب قدرت و لوکس**

ب.ام.و M۵ تورینگ ۲۰۲۶ یک خودروی هیبریدی است که با قدرت استثنایی، شتاب فوق‌العاده و تکنولوژی‌های پیشرفته به‌عنوان یک انتخاب جذاب برای علاقه‌مندان به خودروهای اسپرت و لوکس شناخته می‌شود.



بیشترین کاهش خارجی					بیشترین افزایش خارجی					کاهش داخلی				
۱	لاماری ایما هبیرید	۱۴۰۳	-۷۸	۲۵۶۰ میلیون تومان	۱	مکت موتور تپارا پرایم	۱۴۰۳	+۴۱	۲۶۰ میلیون تومان	۱	۱۱۰ میلیون تومان	-۲۰	۱۳	
۲	دیگینتی پرایم	۱۴۰۴	-۵۹	۱۸۸۰ میلیون تومان	۲	کی ام‌سی T۹-۱۴۰۳		+۴۰	۲۸۰ میلیون تومان	۲	۱۰۳۰ میلیون تومان	-۲۰	۱۳	
۳	دیگینتی پرستیژ	۱۴۰۳	-۴۰	۲۵۶۰ میلیون تومان	۳	هایما S۷ پلاس	۱۴۰۳	+۳۰	۱۹۸۰ میلیون تومان	۳	۹۲۰ میلیون تومان	-۱۰	۱۴۰۴	
۴	دیگینتی پرستیژ	۱۴۰۴	-۱۱	۲۷۲۰ میلیون تومان	۴	تیگو ۸ پرو (هبیرید)	۱۴۰۴	+۲۰	۳۳۵ میلیون تومان	۴	۸۸۰ میلیون تومان	-۱۰	۱۴۰۴	
۵	جک J۴ آپشنال	۱۴۰۴	-۱۰	۱۰۰۰ میلیون تومان	۵	هایما S۵ اتوماتیک	۱۴۰۴	+۱۵	۱۶۰ میلیون تومان	۵	۵۱۰ میلیون تومان	-۶	۱۳	

چراغ چک

بازار باتکلیف‌تر از همیشه؛ وقتی سیاست

واردات خودرو هر ساعت رنگ عوض می‌کند

شورای رقابت، در حال رقابت با خود

شورای رقابت این بار یک رکورد تاریخی را در رقابت با خود و تمام نهادهای ثبت کرد، چراکه ابتدا طی نامه‌ای اعلام کرد این نهاد قیمت‌گذاری خودروهای وارداتی را به شرکت‌ها واگذار می‌کند اما کمتر از یک ساعت از این خبر نگذشته بود که مهدی ضیغمی، مدیر

پروژه واردات خودرو این موضوع را تکذیب کرد.

بازار خودروهای وارداتی در ایران دیگر نه تابع قانون مشخص است و نه قابل پیش‌بینی. هر روز خبری می‌رسد که گرهای تازه به این کلاف سردرگم می‌زنند؛ امروز لغو شرط پلاک فعال، فردا تفسیرهای چندگانه نه‌تنها شورای رقابت و پس فردا نوسانات قیمت دلاری خودروهای که معلوم نیست چند وقت دیگر اصلاً قابل فروش باشند یا نه. فعالان این بازار دیگر عادت کرده‌اند که دستورالعمل‌ها را نه از روی متن‌شان، بلکه بر اساس واکنش رسانه‌ها، تفسیر کنند. چراکه معلوم نیست کدام بند از کدام نامه، فردا دوباره با یک مصاحبه تکذیب می‌شود. تناقض در اعلام مواضع، عملاً سازوکار قیمت‌گذاری را به بازی بی‌نتیجه‌ای شبیه کرده که همه در آن بازنده‌اند. واردکننده‌ای که ریسک واردات را به جان خریده، حالا برای قیمت‌گذاری محصولش باید منتظر تأییدیه چند نهاد بماند که هر کدام ساز خودشان را می‌زنند. گویی قانون‌گذاری در حوزه خودرو نه بر اساس سیاست‌گذاری اقتصادی، بلکه تابعی از فضای روانی شبکه‌های اجتماعی و جلسات پشت‌درهای بسته است. از سوی دیگر، حادثه اخیر در گمرک شهید رجایی، رنگ خطر بزرگی برای امنیت زنجیره واردات به صد راه آورد. اما به‌جای بازنگری فوری در فرآیندهای ترخیص و بیمه کالا، همچنان تمرکز سیاست‌گذاران بر این است که «چه کسی باید قیمت را اعلام کند؟» نه «چگونه باید واردات را تسهیل کرد؟» نتیجه این مدیریت متناقض، بازار خودروهایی‌ست که نه قیمت دارند، نه مشتری، نه قطعیّت. تنها چیزی که در این میان افزایش ترخیص و بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی فعالانی‌ست که دیگر نمی‌دانند در کدام بازی، با کدام قانون و برای کدام سود باید رقابت کنند. در این میان، شورای رقابت که قرار بود نقش ناظر بی‌طرف را ایفا کند، خود به یکی از بازیگران مبهم این صحنه تبدیل شده است. عملکرد چندپهلو، اظهارات متناقض و رفتارهای متغییر این نهاد باعث شده که فعالان بازار نه‌تنها آن را مرجع شفاف‌ساز ندانند، بلکه به یکی از عوامل سردرگمی بازار ارزیابی‌اش کنند.

دلایل افت قدرت موتور در تابستان و راهکارهای جلوگیری از آن

علت افت توان موتور در تابستان

در فصل تابستان، به دلیل دمای بالای هوا، شرایط موتور خودرو دچار تغییراتی می‌شود که می‌تواند منجر به افت قدرت موتور شود. یکی از عوامل اصلی این مشکل، افزایش دمای موتور است. زمانی که موتور در گرمای شدید تابستان تحت فشار قرار می‌گیرد، سیستم خنک‌کننده ممکن است نتواند به‌درستی دما را تنظیم کند و این موضوع می‌تواند باعث گرم شدن بیش از حد موتور و کاهش توان آن شود. علاوه بر این، افزایش دما و کاهش کیفیت روغن موتور می‌تواند باعث کمبود روانکاری مناسب شود که در نتیجه آن، اصطکاک قطعات داخلی موتور افزایش یافته و کارایی موتور کاهش می‌یابد. همچنین، در این فصل، کیفیت سوخت و نسبت مخلوط سوخت و هوا نیز ممکن است تحت تأثیر دمای بالای هوا قرار گرفته و موجب عملکرد ضعیف موتور شود.

❖ **پیامدهای عدم توجه به افت توان موتور**

اگر به افت توان موتور در تابستان توجه نشود، مشکلات جدی‌تری ممکن است بروز پیدا کند. این مشکلات شامل گرمای بیش از حد موتور، فرسودگی زودرس قطعات داخلی موتور و حتی خرابی کامل موتور است که همه اینها می‌توانند هزینه‌های زیادی برای تعمیرات به همراه داشته باشند.

❖ **راهکارهای جلوگیری از افت توان موتور**

برای پیشگیری از افت توان موتور در تابستان، مهم‌ترین اقدام، نگهداری منظم سیستم خنک‌کننده است. بررسی و بازدید منظم از وضعیت رادیاتور، ترموستات و ضدیخ خودرو، از ضروریات است تا موتور از داغ شدن بیش از حد جلوگیری شود. همچنین، تعویض به موقع روغن موتور، فیلتر روغن و فیلتر هوا می‌تواند به کاهش اصطکاک و حفظ کارایی موتور کمک کند. استفاده از روغن مناسب برای فصل تابستان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کنار اینها، بررسی کیفیت سوخت و استفاده از سوخت با کیفیت بالا، می‌تواند تأثیر زیادی در عملکرد بهتر موتور داشته باشد.

تعمیرگاه

کلاس خودرو

استیشن‌واگن: ترکیب راحتی سدان و فضای بیشتر

استیشن‌واگن‌ها نسخه‌ای کشیده از خودروهای سدان هستند که برای افزایش ظرفیت بار و راحتی بیشتر سرنشینان طراحی شده‌اند. این خودروها در سگمنت خودروهای خانوادگی قرار دارند و با سقف بلندتر و پدنه‌ای کشیده‌تر از سدان‌ها شناخته می‌شوند. این طراحی باعث می‌شود فضای داخلی خودرو بزرگ‌تر شده و امکانات بیشتری برای حمل بار و سرنشینان فراهم شود.

❖ **ویژگی‌های اصلی استیشن‌واگن‌ها**

استیشن‌واگن‌ها از چند ویژگی کلیدی برخوردارند که آنها را از دیگر خودروها متمایز می‌کند. اولین ویژگی، بدنه کشیده و سقف بلندتر است که فضای بیشتری را برای سرنشینان و بار فراهم می‌آورد. این خودروها معمولاً با درب پشتی (هاچ‌بک) طراحی می‌شوند که امکان دسترسی راحت به فضای بار را فراهم می‌کند. همچنین، استیشن‌واگن‌ها معمولاً دارای چیدمان پنج‌در هستند که به راحتی به سرنشینان امکان ورود و خروج می‌دهد.

❖ **محبوبیت استیشن‌واگن‌ها در بازار جهانی**

استیشن‌واگن‌ها به‌ویژه در اروپا از محبوبیت زیادی برخوردارند. اروپایی‌ها این خودروها را به خودروهای کراس‌اور ترجیح می‌دهند، چراکه علاوه بر فضای صندوق جادارتر، قیمت مناسب‌تری دارند. همچنین راحتی و نرمی رانندگی با آنها شبیه سدان‌ها است که این خودروها را به گزینه‌ای مناسب برای سفرهای خانوادگی تبدیل می‌کند.

❖ **نمونه‌های موفق**

برندهایی مثل مرسدس بنز و آئودی با معرفی نسخه‌های استیشن محصولات سدان خود به بازارهای جهانی، این سگمنت را بیشتر از پیش محبوب کرده‌اند. مرسدس بنز E-Class استیشن از جمله خودروهای شناخته‌شده و پرطرفدار در این دسته‌بندی است که امکانات و راحتی قابل توجهی را برای کاربران خود فراهم می‌کند.

در میان رقابت‌های محرمانه و شایعات داغ، کاردینال‌ها برای انتخاب پاپ جدید آماده می‌شوند

کاردینال‌هایی که از خبرنگاران فرار می‌کنند

- خبرنگاران با کاردینال‌ها تماس می‌گیرند، اما اکثر آن‌ها در مورد رای‌گیری سکوت اختیار می‌کنند
- هر کاردینال با یک اسم رمز در طول جلسات انتخاباتی شناسایی می‌شود تا رای‌گیری بی‌طرف باشد



رامین لطفی

روزنامه‌نگار

در گرمای بهاری رم، روزنامه‌نگاران با زیر آفتاب میدان سنت پیترو ایستاده‌اند یا در سایه ستون‌های واتیکان پناه گرفته‌اند اما هدف‌شان یکی است: یافتن سرنخی از کاردینال‌های سرخ‌پوش که از تالار سینیود بیرون می‌آیند و می‌توانند رازی درباره جانشین پاپ فرانسیس فاش کنند. این هفته، حدود ۱۸۰ کاردینال از سراسر جهان هر صبح در تالار سینیود گرد هم می‌آیند تا پیش از کنکلاو، آیین محرمانه و چندصدساله انتخاب رهبر کلیسای کاتولیک که ۷ مه آغاز می‌شود، با یکدیگر آشنا شوند، دیدگاه‌های‌شان را به اشتراک بگذارند و نامزدهای احتمالی پاپ جدید را سبک‌دست‌کنین کنند. کاردینال‌ها در رم این روزها چون ستارگان راک در کانسون توجه‌اند. مارینا گارسیا دی‌یوگر، روزنامه‌نگار اسپانیایی که در صحنه تازه‌وارد است، زیرکی‌های کاردینال‌ها را به‌سرعت دریافته و می‌گوید: «هر کاردینال برای مواجهه نشدن با ما، روش خودش را دارد. برای مثال، برخی با خودروهایی شبیه‌دودی می‌گریزند، برخی کلاه سرخ را برمی‌دارند و پیاده از میدان سنت پیترو می‌گذرند تا در میان گردشگران گم شوند و از خیابان ویا دلا کنچیلیاز پونه بگریزند.» مارینا موفق شده با چند کاردینال گفت‌وگو کند، از جمله فرناندو فیولنی، کاردینال ایتالیایی که این هفته نامش در فهرست شانس‌های پاپ جدید بالا آمده است. اما شانس همیشه با خبرنگاران یار نیست؛ یک کاردینال آرژانتینی که در محاصره خبرنگاران قرار دارد، با لبخند می‌گوید: «انگلیسی بلد نیستم که در این لحظه خیلی هم خوب است!»

از میان ۱۸۰ کاردینال، ۱۳۳ نفر واجد شرایط رأی‌دهی‌اند؛ دو نفر به دلایل پزشکی کنار کشیده‌اند. ۸۰ درصد رأی‌دهندگان را پاپ فرانسیس برگزیده، از جمله ۲۰ کاردینال که دسامبر گذشته منصوب شدند. فرانسیس از روز عمد از مناطقی چون میانمار، هائیتی و رواتندا کاردینال انتخاب

کرده که پیش‌تر نماینده‌ای نداشتند تا واتیکان از انحصار سفیدپوستان اروپایی خارج شود. بسیاری از این کاردینال‌ها تا همین هفته گذشته یکدیگر را ندیده بودند. در طول کنکلاو یا همان مجمع انتخاب پاپ جدید، کاردینال‌ها در اقامتگاه ساده کاژا سانتا مارتا، جایی که پاپ فرانسیس ۱۲ سال در آن زندگی کرد و کلیسای سیستمین که محل رای‌گیری است، محبوس خواهند بود. آنها پیش از هر نشست پیش‌کنکلاو و آغاز انتخابات، سوکند سکوت می‌خورند اما تا پیش از انزوای کنکلاو، رستوران‌ها و کافه‌های اطراف واتیکان، از آل پاستو دی بورگو تا کافه دی پاپی، صحنه گفت‌وگوهای واقعی و چالشی کاردینال‌ها با یکدیگر هستند. برخی کاردینال‌های شوخ‌طبع از فرصت استفاده می‌کنند تا نشست عمدی اطلاعات گمراه‌کننده به مطبوعات، شایعاتی علیه رقبا پخش کنند یا نامزدهای اصلی را تضعیف کنند. رستوران آل پاستو دی بورگو سال‌هاست پاتوق روحانیون رم است. مقاله‌ای قاب‌شده روی دیوار ادعا می‌کند که در کنکلاو ۲۰۰۵، کاردینال‌ها در این رستوران، حین خوردن کاربونارا و تیرامیسو، برای انتخاب ژوزف راتزینگر، پاپ بندیکت شانزدهم، نقشه کشیدند. این هفته، شون پاتریک اومالی، کاردینال آمریکایی مسئول کمیته پیشگیری از سوءاستفاده جنسی روحانیون، از مشتریان این رستوران بود. اومالی ۸۰ ساله برای شرکت در رای‌گیری واجد شرایط نیست اما برخی او را گزینه‌ای برای پاپی می‌دانند. دونالد ووثرل، اسقف اعظم پیشین واشنگتن که سال ۲۰۱۸ به دلیل مدیریت ضعیف پرنده سوءاستفاده جنسی استعفا کرد، نیز در این رستوران دیده شده است. آنتونلو فول ویماری، صاحب رستوران عکسی از ووثرل در لباس معمولی نشان می‌دهد



ینگه دنیا

تولد ستاره‌ای در تگزاس

روای ایلان ماسک محقق شد و با رای کارمندان اسپیس اکس، شهر «استارپیس» در تگزاس بنا خواهد شد

در گوشه‌ای از جنوب تگزاس، جایی که موشک‌های اسپیس ایکس آسمان را می‌شکافند، سالتکنا بوکا چیکرا روز شنبه رای دادند تا محله‌های بی‌سازمان خود را به شهری رسمی به نام «استارپیس» تبدیل کنند. این تصمیم که با ۹۷.۷ درصد آرا تأیید شد، روای تأسیس شهری اختصاصی را به ایلان ماسک، مدیرعامل اسپیس اکس، بخشید؛ شهری که یادآور شهرهای صنعتی عصر طلایی آمریکا است. از ۲۸۳ رأی‌دهنده واجد شرایط، بیشترشان کارمندان اسپیس اکس یا وابستگان‌شان بودند. خود ماسک که رؤیای سفر انسان به مریخ را در سر دارد، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «استارپیس تگزاس، حالا شهری واقعی است!» هر چند طبق گزارش رمی گارزا، مسئول انتخابات، این میلیونر ۵۳ ساله متولد آفریقای جنوبی تا پایان رای‌گیری زودهنگام در ۲۹ آوریل رأیی نداده بود.

استارپیس با جمعیتی حدود ۵۰۰ نفر که ۲۶۰ نفرشان کارمند اسپیس اکس و بقیه اعضای خانواده‌های‌شان هستند، در زمینی کوچک نزدیک مرز مکزیک و خلیج مکزیک قرار دارد. خیابان‌هایش با خانه‌های پیش‌ساخته، کاروان‌ها و نخل‌ها آراسته شده و مجسمه طلایی ۹ فوتی ایلان ماسک، با پلاکی که او را «ایلان، ملقب به میم‌لرد» می‌خواند، در ورودی شهر خودنمایی می‌کند. این مجسمه ماه گذشته توسط خرابکاران آسیب دید و

لایه‌هایی از فوم و فایبرگلاس از صورتش کنده شد. شهردار جدید استارپیس، بابی پیدن ۳۶ ساله، معاون رئیس عملیات آزمایش و پرتاب اسپیس اکس در تگزاس است که از سال ۲۰۱۳ با این شرکت همکاری دارد. او دو نامزد دیگر شورای شهر که همگی کارمند اسپیس اکس‌اند، بدون رقیب انتخاب شدند. در شهر، رستورانی اختصاصی برای کارمندان به نام «استروپاب» با تابلوی نمونی «اشغال مریخ» وجود دارد و یکی از خیابان‌های اصلی «میجز استریت» نامیده شده است.

ایجاد استارپیس که ماسک سال‌ها برایش تبلیغ کرده، به اسپیس اکس و رهبرانش قدرت می‌دهد تا بر زمین‌های شهر نظارت کنند و مسائلی مثل بستن جاده‌ها هنگام پرتاب‌های آزمایشی را مدیریت کنند. کارمندان اسپیس اکس در جلسه‌ای قانونی در آوریل استدلال کردند که این شهر هماهنگی‌های لجستیکی را بهبود می‌بخشد اما این تصمیم مخالفانی هم دارد. شبکه عدالت زیست محیطی



کیوسک



روزنامه سان انگلیس، تیترو و عکس اصلی خود را به بی‌توجهی بروکلین بکهام به مراسم جشن تولد ۵۰ سالگی دیوید بکهام و بروز اختلافات بین پدر و پسر اختصاص داد.

<

چاینا دلی، تیترو اصلی خود را به خبر بررسی پیشنهاد مذاکرات تجاری به چین از جانب آمریکا اختصاص داد. طرف چینی می‌گوید تنها در صورت مشاهده صداقت آمریکایی‌ها وارد مذاکره خواهد شد.



چهار روز

پاتریک شوارتزنگر، ستاره جوان و پسر آرنولد، برای بازی در نقش اصلی فیلم تازه‌ای به کارگردانی لوکا گوادانینو که نسخه جدیدی از فیلم سینمایی «روانی آمریکایی» است، ابراز علاقه کرده. این فیلم، برگرفته از رمانی نوشته برت ایستون الیس، با فیلمنامه‌ای از اسکات زد است. شوارتزنگر پیش‌تر در شبکه اجتماعی ایکس این نقش را «روای» خود خوانده بود. هرچند مذاکرات با آستین باتلر برای این نقش جریان دارد، احتمال حضور شوارتزنگر همچنان مطرح است. در نسخه اولیه، کریستین بیل این نقش را برعهده داشت.

عکس روز

خداحافظی اسطوره با سریر قدرت

وارن بافت ۹۴ ساله، با اعلام ناگهانی بازنشستگی از برکشایر هاتاوی، گرگ ابل را جانشین خود کرد

حسابدار و معامله‌گری زیرک که از سال ۱۹۹۲ با برکشایر هاتاوی همکاری کرد و از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ مدیرعاملش بود. او کسب و کارهای انرژئی، راه‌آهن و خرده‌فروشی برکشایر را مدیریت می‌کند و با سبک سرمایه‌گذاری محتاطانه بافت هم‌راستاست. ابل که اکنون با چالش تخصیص ۳۴۷ میلیارد دلار نقدینگی و حفظ میراث بافت روبه‌روست، باید برکشایر را در برابر طوفان‌های اقتصادی، از جمله تعرفه‌های ترامپ، حفظ کند.



● **گرگ ابل: سکاندار جدید**
امپراتوری برکشایر

گرگ ابل، متولد ۱۹۶۲ در آلبرتا، کانادا، از کودکی باجمع‌آوری بطری‌های بازیافتی پول درآورد.

بافت بود، اکنون کسب و کارهای غیربیمه‌ای، از راه‌آهن تا خرده‌فروشی را مدیریت می‌کند. تیم کوک، مدیرعامل اپل، در ایکس نوشت: «وارن بی‌همتاست. زندگانی منحصر به فردش، الهام‌بخش من و بسیاری بوده و برکشایر را به دستان توانای ایل می‌سپارد.»

● **وارن بافت: از آدامس فروشی تا ثروت افسانه‌ای**

وارن بافت، متولد ۱۹۳۰ در اوماها، ۶ سالگی با فروش آدامس و کوکاکولا پول درآورد، در ۱۱ سالگی اولین سهامش را خرید و در ۱۳ سالگی اولین اظهارنامه مالیاتی‌اش را پر کرد. او برکشایر را از یک کارخانه نساجی ورشکسته به غولی با بیش از ۶۰ شرکت، از جمله گایکو، دوراسل و دیری کوپین و سهام کلان در اپل، کوکاکولا و امریکن اکسپرس بدل کرد. او با ۱۶۸.۲ میلیارد دلار ثروت، پنجمین فرد ثروتمند جهان است اما در خانه‌ای ساده که سال

در گردهمایی سالانه برکشایر هاتاوی در اوماها، وارن بافت، ملقب به «وراکل اوماها»، بمب خبری را منفجر و اعلام کرد تا پایان سال ۲۰۲۵، پس از ۶۰ سال رهبری، از مدیرعاملی این امپراتوری ۱.۱۶ تریلیون دلاری کناره‌گیری می‌کند. بافت به هیات مدیره پیشنهاد داد گرگ ابل، معاون ۶۲ ساله بخش عملیات غیربیمه‌ای، سکان را به دست گیرد. این خبر که تنها فرزندان بافت، ووارد و سسوری، از آن باخبر بودند، ابل، هیات مدیره و ۴۰ هزار سهامدار حاضر را غافلگیر کرد. سالن با تشویق ایستاده‌ای طولانی غرق قدردانی شد. بافت نیز با طنز و شوخی‌اش گفت: «این شور و شوق را می‌شود دوجور تفسیر کرد!» بافت که اعلام کرده ثروتش را به خیریه می‌بخشد، قسم خورد حتی یک سهم از برکشایر را نفروشد: «این تصمیم اقتصادی است، چون آینده شرکت با ابل بهتر خواهد بود.» او پیش‌تر سهام برخی شرکت‌ها را فروخت و دلیلش را کاهش ریسک پیش از جنگ تعرفه‌ای دونالد ترامپ اعلام کرد، جنگی که به تعبیر بافت «اشتباهی بزرگ» بود و هست. بافت هشدار داد: «تجارت نباید سلاح باشد. وقتی ۷.۵ میلیارد نفر از شما دلخورد، ثبات جهانی به خطر می‌افتد. ما باید مثل رویه سابق با جهان تجارت کنیم.» ابل که ۲۵ سال با برکشایر بوده، با فروتنی گفت: «افتخار می‌کنم بخشی از آینده او که از سال ۲۰۰۱ جانشین احتمالی

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



فلورنس پیو: «مدل نیستم، بازیگرم!»

فلورنس پیو، ستاره «تاندربولتس» که این روزها روی فرش قرمز فیلم‌های ابرقهرمانی می‌درخشد، از انتظارات غیرمنطقی هالیوود شاک‌ی است. او در گفت‌وگو با مجله «هواواتور» مقایسه بازیگران با مدل‌ها را به باد انتقاد گرفت: «این یک مزخرف تمام‌عیار است! بازیگری و مدلینگ یکی نیستند. دیوانه‌کننده است که از ما توقع دارند مثل مدل‌ها ژست بگیریم و راه برویم. کار ما ایستادن جلوی دوربینی است که به صورت‌مان زوم می‌کند و نشان دادن شکنندگی روح‌مان؛ این استعداد ماست، نه فیگور گرفتن برای فلاش‌های دوربین!» پیو که در «میدسامر»، «اوپنهایمر»، «نگران نباش عزیزم» و «تلماسه: قسمت دوم» خوش درخشیده، اعتراف کرد در عکاسی‌های مداحساس «خجالت» می‌کند اما تکرار این موقعیت و کسب تجربه، او را جسورتر کرده است. پیو که در «تاندربولتس» نقش یک ابرقهرمان مرموز را بازی می‌کند، به «ورایتی» گفت آماده‌سازی برای این نقش ماه‌ها تمرین بدنی و مطالعه طاق‌تفرسا می‌طلبید: «باید مثل یک ورزشکار حرفه‌ای آماده می‌شدم اما هم‌زمان روح کاراکتر را می‌ساختم. این کاری است که عاشقشم، نه ژست گرفتن روی فرش قرمز.»

فلورنس



مستطیل سبز

شبی جادویی و افتخار آمیز برای محرزها

جشن خانوادگی در جده



تیلور وارد، مدل بریتانیایی و همسر ریاض محرز، ستاره الجزایری تیم الاهلی عربستان، خوشحالی خود را از قهرمانی این تیم در لیگ قهرمانان آسیا ابراز و در ورزشگاه در کنار همسرش این قهرمانی را جشن گرفت. بازیکنان الاهلی بسا پیروزی ۲ فرونتال ژاپن و در حضور بیش از ۵۸ هزار تماشاگر در ورزشگاه الإنماء جده، شنبه شب جام قهرمانی را بالای سر بردند.

این نخستین بار است که تیم

الاهلی موفق به کسب عنوان قهرمانی آسیا می‌شود و به این ترتیب، سومین باشگاه عربستانی است که پس از الهلال با ۴ قهرمانی و الاتحاد با ۲ قهرمانی به این افتخار دست پیدا می‌کند. تیلور وارد همسر ریاض محرز همراه با دخترشان در جشن قهرمانی شرکت کرد و با پیراهن تیم الاهلی در کنار جام ارزشمند، عکس‌ها و ویدیوهایی گرفت. او تصاویر این لحظات را در حساب اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت:

«شب گذشته جادویی بود، همیشه بهت افتخار می‌کنم.»

ریاض محرز در ژوئیه ۲۰۲۳ با قراردادی به ارزش ۳۵ میلیون یورو از منچستر سیتی به الاهلی عربستان پیوست.

او با مشارکت مستقیم در ۱۷ گل (۹ گل زده و ۸ پاس گل) بیشترین نقش را در موفقیت تیمش در این تورنمنت ایفا کرده و همچنین با ۸ موقعیت مسلم گل، رکورددار بیشترین موقعیت‌سازی نیز بوده است.

دنیای ورزش

کری خوانی سنگین قهرمان بوکس

نمایش معنای واقعی «عظمت» برای جهانیان



ترنس کرافورد بوکسور آمریکایی وعده داد که سپتامبر آینده، در نبردی که قرار است در پایتخت عربستان، ریاض برگزار شود، رقیبش سائول کاتلو آلوارز را شکست دهد. او در اظهاراتی جنجالی اعلام کرد در این مبارزه، معنای واقعی «عظمت» را به جهانیان نشان خواهد داد.

کرافورد که با پیروزی قاطع و تاکاوت برابر ارول اسپنس جنوینر در سال ۲۰۲۳ به قهرمان بی‌چون‌چرا تبدیل شد، تأکید کرد آماده رویارویی با آلوارز است. از سوی دیگر، بوکسور مکزیکی آلوارز، موفق شد عنوان قهرمانی سازمان جهانی بوکس در وزن فوق میان‌وزن را نیز به مجموعه کمربندهای خود از انجمن جهانی بوکس، شورای جهانی بوکس و سازمان جهانی بوکس بیفزاید. او این موفقیت را با پیروزی بر ویلیام اسکول از کوبا به دست آورد. در مبارزه‌ای که روز یکشنبه برگزار شد، اسکول که در قامت و طول بازو از آلوارز برتر بود، نتوانست در برابر ضربات پیاپی و مؤثر کاتلو، به‌ویژه ضربات او به بدن، مقاومت کند و در نهایت اولین شکست حرفه‌ای خود را تجربه کرد. سه داور مبارزه، آلوارز را با امتیاز پیروز اعلام کردند. آلوارز پس از پایان مسابقه گفت: برای من، این مسابقه کسسل کننده بود. (اسکول) برای پیروزی نیامده بود، فقط می‌خواست زنده بماند. من از این نوع مبارزات متنفرم.

آلوارز ۳۴ ساله که سال گذشته عنوان خود را از دست داده بود، حالا دوباره به قهرمان بلامنازع فوق میان‌وزن تبدیل شده است.او با ابراز علاقه به مبارزه با ترنس کرافورد که تا کنون شکست نخورده، گفت: کرافورد یکی از بهترین بوکسورهای دنیاست و من از رویارویی با این نوع حرفان لذت می‌برم. باعث افتخار من است.

کوردیل تنج از گرین‌بی تالیگ الماس

موبایل فروشی که سریع‌ترین مرد جهان شد



کوردیل تنج، دوندۀ آمریکایی دوی با مانع، از قبل به عنوان بخت اول پیروزی شناخته نمی‌شد اما این ورزشکار ۲۴ ساله باید به این موقعیت عادت کند، چرا که روز شنبه در رقابت لیگ الماس شانگهای توانست زمان خیره‌کننده ۱۲.۸۷ ثانیه را ثبت کند. این عملکرد قدرتمند نه تنها دومین پیروزی پیاپی تنج را طی دو هفته در رقابت‌های لیگ الماس رقم زد، بلکه او را به چهارمین مرد سریع تاریخ در دو ۱۱۰ متر با مانع تبدیل کرد؛ رکوردی که با قهرمان المپیک ۲۰۰۸، دیوین رولس، برابر است.

تنج گفت: «خوشحالم که دوباره در رقابت‌ها هستم و راستش را بخواهید دارم بر پایه آنچه هفته پیش به‌دست آوردم، بنا می‌کنم. پس می‌خواهم در ادامه فصل، هر هفته بهتر شوم.» او افزود: «از نظر فنی، سال گذشته اولین فصل کامل من به عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای بود. می‌گویند سال اول حرفه‌ای بودن، سال یادگیری است. باید خیلی چیزها را یاد بگیرم. من هم مجبور شدم چیزهای زیادی یاد بگیرم.» در سال ۲۰۲۲، تنج در گرین‌بی فروشنده تلفن همراه بود، پس از آنکه از بورسیه فوتبال و فرصت پیوستن به تیم دسته اول دوومیدانی دانشگاه مینه‌سوتا صرف‌نظر کرده بود.

او به دوومیدانی بازگشت و در عرض یک سال عملکرد درخشانی در پرش ارتفاع و طول و به‌ویژه در ماده دوی با مانع داشت. او سال ۲۰۲۴ را خوب آغاز کرد اما در میانه فصل تحت عمل جراحی قرار گرفت و در نهایت نتوانست جایگاهی در تیم المپیک آمریکا به‌دست آورد. او در مسابقات انتخابی، چهارم شد و زمان ۱۳.۰۳ ثانیه را ثبت کرد. البته این تاکامی، شرم‌آور نبود، چون ایالات متحده در این ماده ورزشی، ورزشکاران فوق‌العاده‌ای دارد. رکورددار جهانی، گرات هالوی، مدال طلای المپیک پاریس را برید و هم‌تیمی‌اش دنیل رابرتس دوم شد. تنج هفته گذشته در افتتاحیه لیگ الماس در شیامن موفق شد هالوی را شکست دهد و با زمان ۱۳.۰۶ ثانیه، بهترین زمان سال را ثبت کند؛ و سپس روز شنبه در سالن ورزشی شهر نساجی چین، عملکردی خیره‌کننده از خود به نمایش گذاشت.

بازیکن مشهور «شهرت خود را حفظ کند اما بدون حضور یامال، به‌تدریج از توجه رسانه‌ها خارج شده است. برخی خبرنگاران اسپانیایی می‌گویند او اکنون سعی دارد در برنامه‌های تلویزیونی فرعی ظاهر شود و هنوز هم نام یامال را در پست‌هایش ذکر می‌کند. در مقابل، لامین یامال پس از این بحران عاطفی تمرکز خود را به طور کامل بر حرفه فوتبال گذاشته و به گفته مسئولان باشگاه بارسلونا، از بلوغ ذهنی و قدرت روانی بالایی برخوردار است. ستاره جوان بارسلونا از زمان ظهورش در فصل گذشته، فوتبال‌دوستان را شگفت‌زده کرده و در یورو ۲۰۲۴ تیم ملی اسپانیا را به قهرمانی رسانده است. او جایزه بهترین بازیکن جوان تورنمنت را دریافت کرد و در این فصل نیز با بارسلونا موفق به کسب سوپر جام اسپانیا و جام حذفی شده و همچنان شانس فتح لیگ قهرمانان اروپا و لالیگا را دارد.



برای تمامی دختران ورزش ما الگو باشند و این رفتارها قابل تحمل نیست. نعمت‌زاده و کیانی باید در جلسه‌ای حاضر شوند تا ما سنگ‌های خود را با آنها وا بکنیم. این نفرات الگوی بقیه نفرات هستند و اگر این موضوع ادامه پیدا کند و جدیدی یا سوخته‌سرایبی و سلیمانی که هم‌وزن بودن این دو باعث شد که همواره یکی از آنها در مسابقات مهم پشت خط بماند. گاهی اعمال نظرها نیز منجر به دلخوری ورزشکاران و حتی انتقادهای رسانه‌ای می‌شود. اما آنچه جالب توجه است اینکه دو ورزشکار زن ایرانی اختلاف‌شان را علنی و مقابل دوربین‌ها نشان دادند و کار به جایی رسید که اصغر رحیمی دبیر فدراسیون تکواندو هر دو آنها را تهدید کرد که در صورت پایان ندادن به اختلافات از تیم‌لیک کنار گذاشته خواهند شد: «موضوعاتی پیش آمده است که اصلاً تعجب می‌کنم. در تاریخ تکواندو رقبای جدی مثل هادی ساعی، یوسف کرمی و مهدی بی‌پاک می‌تواند در مسطح اول فوتبال اروپا، اینکه برخی شخص‌ها از سیاست‌گرارم و می‌دانم چقدر رحمت کشیده و چه گل‌های حساس و زیبایی برای تیم ملی ایران زده است.

مبارزه می‌کرد مدال برنز المپیک را گرفت اما بعد از مدتی مانند بسیاری از ورزشکاران مجبور به تغییر وزن شد. تغییر وزنی که دو ستاره تکواندو را مجبور به رقابت برای تصاحب تنها پیراهن موجود تیم‌ملی کرد. مثل خادم و جدیدی یا سوخته‌سرایبی و سلیمانی که هم‌وزن بودن این دو باعث شد که همواره یکی از آنها در مسابقات مهم پشت خط بماند. گاهی اعمال نظرها نیز منجر به دلخوری ورزشکاران و حتی انتقادهای رسانه‌ای می‌شود. اما آنچه جالب توجه است اینکه دو ورزشکار زن ایرانی اختلاف‌شان را علنی و مقابل دوربین‌ها نشان دادند و کار به جایی رسید که اصغر رحیمی دبیر فدراسیون تکواندو هر دو آنها را تهدید کرد که در صورت پایان ندادن به اختلافات از تیم‌لیک کنار گذاشته خواهند شد: «موضوعاتی پیش آمده است که اصلاً تعجب می‌کنم. در تاریخ تکواندو رقبای جدی مثل هادی ساعی، یوسف کرمی و مهدی بی‌پاک می‌تواند در مسطح اول فوتبال اروپا، اینکه برخی شخص‌ها از سیاست‌گرارم و می‌دانم چقدر رحمت کشیده و چه گل‌های حساس و زیبایی برای تیم ملی ایران زده است.

مبارزه می‌کرد مدال برنز المپیک را گرفت اما بعد از مدتی مانند بسیاری از ورزشکاران مجبور به تغییر وزن شد. تغییر وزنی که دو ستاره تکواندو را مجبور به رقابت برای تصاحب تنها پیراهن موجود تیم‌ملی کرد. مثل خادم و جدیدی یا سوخته‌سرایبی و سلیمانی که هم‌وزن بودن این دو باعث شد که همواره یکی از آنها در مسابقات مهم پشت خط بماند. گاهی اعمال نظرها نیز منجر به دلخوری ورزشکاران و حتی انتقادهای رسانه‌ای می‌شود. اما آنچه جالب توجه است اینکه دو ورزشکار زن ایرانی اختلاف‌شان را علنی و مقابل دوربین‌ها نشان دادند و کار به جایی رسید که اصغر رحیمی دبیر فدراسیون تکواندو هر دو آنها را تهدید کرد که در صورت پایان ندادن به اختلافات از تیم‌لیک کنار گذاشته خواهند شد: «موضوعاتی پیش آمده است که اصلاً تعجب می‌کنم. در تاریخ تکواندو رقبای جدی مثل هادی ساعی، یوسف کرمی و مهدی بی‌پاک می‌تواند در مسطح اول فوتبال اروپا، اینکه برخی شخص‌ها از سیاست‌گرارم و می‌دانم چقدر رحمت کشیده و چه گل‌های حساس و زیبایی برای تیم ملی ایران زده است.

گروه ورزش | محسن عاشوری، یکی از فنی‌ترین و خوش‌فکرترین هافبک‌های تاریخ فوتبال ایران و پرسپولیس که سال‌ها پیراهن این تیم را به‌عنوان بازیکن مربی‌بر تن داشت، در گفت‌وگویی صریح از وضعیت فعلی سرخ‌پوشان، نقش مربیان پایه و آینده فوتبال ملی سخن گفت. تسلیت به مردم ایران و بندرعباس تسلیت می‌گویم به همه مردم خوب ایران، به‌ویژه مردم بندرعباس که از خون‌گرم‌ترین و مهربان‌ترین مردم کشور هستند. هر بار که به بندرعباس سفر کردم، با رفتاری گرم و محبت‌آمیز روبه‌رو شدم. امیدوارم روح همه رفتگان قرین رحمت الهی باشد.



رده‌های پایه نداشته باشند. امیدوارم فدراسیون

فوتبال به این درک برسد که آینده فوتبال ایران

در گرو همین تیم‌های پایه است.

بی‌برنامه و هیجانی

تیم نوجوانان ایران بسیار بی‌برنامه و هیجانی بازی می‌کرد. درست است که شرایط سنی ایجاد می‌کند بازیکنان هیجان‌زده باشند اما وقتی بازی‌های این تیم را با تیم‌های نوجوانان اروپا مقایسه می‌کنم، می‌بینم آنجا بازیکنان دقیقاً در خدمت ایده‌های مربی هستند و سبک فوتبال آن کشور را در زمین پیاده می‌کنند. تیم نوجوانان فرانسه دقیقاً از الگوی تیم برزگسالانش پیروی می‌کرد؛ همان نقش‌ها، فرم، استراتژی و تاکتیک‌ها. گردش توپ آنها، نمایشی از تفکر مربی بود. متأسفانه در تیم ما چنین چیزی دیده نمی‌شود. تیم نوجوانان ما در کار گروهی بسیار شتاب‌زده و سرگردم بود. واقعاً متأسف و غصه‌دار شدم، چون این تیم در شأن فوتبال ایران نبود. کسانی که مسئولیت دارند باید در این باره پاسخگو باشند. فارغ از نتیجه، از نظر فرم بازی، در سطح تیم‌های رده سوم آسیا ظاهر شدیم.

جام جهانی در کانادا

این روزها در کشور کانادا زندگی می‌کنم و شاید بتوانم بازی‌های جام جهانی را از نزدیک تماشا کنم. امیدوارم تیم ملی ایران با برنامه‌ریزی دقیق و برگزاری بازی‌های دوستانه با کیفیت، آماده ورود به این رقابت‌ها شود.

اختلاف آنها، نارضایتی پادیا از این بود که تمام دارایی‌های یامال به نام مادرش ثبت شده و حقوق او نیز مستقیماً به حساب بانکی مادرش واریز می‌شود. گفته می‌شود این موضوع به اختلاف جدی میان آنها منجر شده است. پادیا که دو سال از یامال بزرگ‌تر است، در جایی گفته: «هیچ منطقی در این محدودیت‌ها نمی‌بینم»، اما یامال پاسخ داده: «این یک تصمیم خانوادگی است و تغییری در آن ایجاد نخواهد شد.» گزارش‌ها همچنین حاکی از آن‌اند که پس از قطع رابطه، پادیا شروع به فرستادن پیام‌های عصبی به یامال کرده و او نیز در واکنش، تمام عکس‌های مشترک را از شبکه‌های اجتماعی حذف، دنبال کردن او را متوقف کرده و حتی شماره تلفنش را تغییر داده است.

پس از این جدایی، پادیا تلاش کرده تا با ایفای نقش «نامزد فریب‌خورده

چالش جدید لامین یامال ستاره جوان بارسا

نامزد فریب خورده باز یکن مشهور

گزارش‌هایی که درباره رابطه بین لامین یامال، ستاره جوان باشگاه بارسلونا و الکس پادیا نامزد سابقش این ستاره جوان را دوباره به تیت‌ر رسانه‌ها تبدیل کرده است. براساس گزارش‌های رسانه‌ای، الکس پادیا دانش‌آموزی است که مانند یامال در شهر بارسلونا زندگی می‌کند و بیش از ۱۴۰ هزار دنبال‌کننده در شبکه اجتماعی تیک‌تاک دارد. گفته می‌شود آن دو قبل‌ادر اینستاگرام یکدیگر را دنبال می‌کردند اما پس از اتفاقاتی از هم جدا شدند. پس از آن اتفاقات، آنها دیگر با هم دیده نشدند، تا آنکه در یک تعطیلات کوتاه با هم کنار هم ظاهر شدند اما بعد از آن، پادیا دوباره از انظار عمومی ناپدید شد. برخی روزنامه‌های اسپانیایی فاش کردند که یکی از دلایل

اختلاف کیانی و نعمت‌زاده، مدال‌آوران المپیک در وزن ۵۳ کیلو

جنگال دست‌رد

ناهید به مینا

فدراسیون تکواندو: ادامه اختلافات منجر به حذف خواهد شد

گروه ورزش | رقابت‌های تکواندوی جام ریاست فدراسیون جهانی در چین؛ ناهید کیانی در برابر مینا نعمت‌زاده در وزن ۵۳ کیلوگرم. دارنده مدال نقره المپیک ۲۰۲۴ و مدال طلای جهان ۲۰۲۳ در مقابل دارنده مدال برنز المپیک ۲۰۲۴. نتیجه پایانی دو – یک به نفع نعمت‌زاده. کیانی در پایان بازی حاضر نمی‌شود با رقیبش دست بدهد؛ جنگال آغاز می‌شود.

شکل علنی پیدا کرده است.

نظر خواهر رئیس فدراسیون

مهروز ساعی سرمربی تیم زنان تکواندوی ایران و خواهر هادی ساعی رئیس فدراسیون تکواندو اما در این رابطه می‌گوید: «اختلاف زیادی بین این دو ملی‌پوش نیست. به عنوان مربی وظیفه داشتم که به آنها تذکر بدهم و در چین با هر دو ملی‌پوش صحبت کردم. تأکید من روی اخلاق است؛ اینکه باید هر دو ملی‌پوش به هم احترام بگذارند. به آنها گفتم که شما قهرمانان المپیک و شناسنامه‌های تکواندوی بانوان کشورمان هستید و باید بیش از اندازه مراقب رفتار خودتان باشید. با این شرایطی که پیش آمد، نعمت‌زاده در وزن ۵۳ کیلوگرم و کیانی هم در وزن ۵۷ کیلوگرم مبارزه خواهند کرد. آخرین تذکر را به کیانی و نعمت‌زاده دادیم؛ از این به

مدال‌آوران پاریس

ناهید کیانی در المپیک ۲۰۲۴ پاریس توانست مدال نقره وزن ۵۳ کیلوگرم را به‌دست بیاورد. مینا نعمت‌زاده که آن زمان در وزن ۴۹ کیلو

گفت‌وگوی اختصاصی با محسن عاشوری سلطان پاس گل فوتبال ایران و ستاره

سال‌های نه‌چندان دور پرسپولیس

پایه‌های سست رده‌پایه

مسئولان فدراسیون باید درباره فوتبال نوجوانان ورده‌های پایه پاسخگو باشند

پرسپولیس؛ عشق بزرگ

تا جایی که بتوانم، بازی‌های فوتبال ایران، تیم ملی در همه رده‌ها و همچنین باشگاه پرسپولیس که ۱۷ سال در آن فعالیت کرده‌ام را دنبال می‌کنم. در پرسپولیس ۱۰ سال به‌عنوان بازیکن و ۷ سال به‌عنوان مربی حضور داشتم. همه می‌دانند که این باشگاه برای من چقدر مهم و ارزشمند است.

طبیعی‌ست که به باشگاه‌های پس از یک دوره موفقیت، ممکن است دچار افت شود. این افت می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد؛ از مدیریت و مربی گرفته تا بازیکنان و البته نقش مهم هواداران که همگی زنجیروار به هم متصل هستند. اگر هر یک از این ارکان دچار تزلزل شود، کیفیت تیم و در نهایت موفقیت آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

تغییر مربی و عدم شناخت کافی از فوتبال ایران، باعث شد پرسپولیس از مسیر موفقیتی که با آمدن پرتو آغاز شده بود با حضور یحیی گل‌محمدی – که بی‌شک یکی از خوش‌فکرترین و تأثیرگذارترین مربیان دهه‌های اخیر فوتبال ایران است – ادامه داشت، خارج و دچار مشکل شود.

عدم موفقیت تیم

دلایل زیادی در ناکامی پرسپولیس نقش داشتند. باین حال، اگر این تیم نتواند سهمیه آسیایی بگیرد، می‌توان گفت تا حدی موفق بوده اما نگرفتن جام در لیگ‌برتر و جام حذفی، برای باشگاهی در این سطح، به معنای شکست است. امیدوارم با برنامه‌ریزی دقیق و با توجه به

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح داناگار
سر‌دبیر: افشین امیر شاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

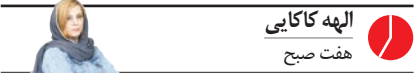
پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع وقابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی (۱۹۸۸۶۴۳۵)
شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
۱۹ صبح: ۰۲:۳۳ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۸ | آذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۴ | آذان مغرب: ۱۹:۱۳

یادداشت

چراغ قرمز فقط برای ایست نیست



ماشین را نگه داشته‌ام پشت خط عابر. چراغ قرمز شده، اما چیزی در این توقف هست که شبیه یک مکث معمولی نیست. شاید چون در همین چند ثانیه، انگار زندگی فرصت پیدا می‌کند خودش را به‌رخ بکشد. چراغ قرمزها، فقط برای ایست نیستند، برای دیدن‌اند، برای شنیدن، برای فکر کردن به چیزهایی که حین حرکت، از کنارشان رد می‌شویم، بی‌آن‌که واقعاً ببینیم.

در نگاه اول، چراغ قرمز یعنی تأخیر. یعنی اجبار به ایستادن وقتی که می‌خواهی برسی، عبور کنی، رد شوی. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنی، می‌بینی همین مکث اجباری، مثل خط فاصلی‌ست میان دو جهان. پیش از آن، عجله بود، سرعت، هدف. بعد از آن، دوباره شتاب. اما این میان، جایی‌ست برای تنفس.

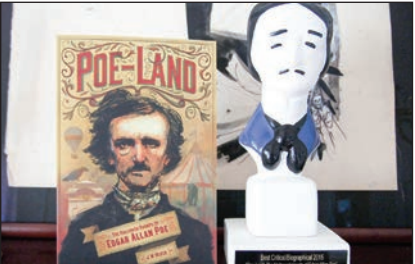
در همین لحظه، از پشت شیشه ماشین، پیرمردی با کپسه‌ای در دست از جلوی ماشینم رد می‌شود. قدم‌هایش کند است، ولی محکم. نمی‌دانم کجا می‌رود، ولی در صورتش، چیزی هست از جنس گذشته. زن جوانی کنار پیاده‌رو ایستاده، با گوشی در دست و چشم‌هایی خیره به صفحه. احتمالاً پیامی، عکسی، چیزی برایش مهم است. در این ثانیه کوتاه، من مهمان داستان زندگی آدم‌هایی شده‌ام که اگر چراغ سبز بود، فقط در شتاب نگ می‌شدند. چراغ قرمزها، آینه‌اند. اگر بخواهی، می‌توانی نگاه کنی به خودت، به دستان‌ت روی فرمان، به خطوط روی پیشانی، به فکری که از صبح با تو آمده و هنوز کنار گوش‌ات زمزمه می‌کند. در این مکث اجباری، جا هست برای تماشای درون. گاهی، چراغ قرمز فرصتی‌ست برای تردید. برای پرس‌سیدن این سؤال که اصلاً کجا داری می‌روی؟ چرا این قدر عجله داری؟ مقصدی که برایش این همه توقف را لعنت می‌کنی واقعاً ارزشش را دارد؟ این سؤال‌ها در سرعت شکل نمی‌گیرند. آنها در ایستادن و ساکت شدن رشد می‌کنند. در بعضی از همین توقف‌های کوتاه، چیزهایی دیدم‌ام که بعداً برایم داستان شده‌اند. کودکی که از پشت شیشه، برای ماشین‌ها شکلک درمی‌آورد. گریه‌ای که با آرامش امپراتوری می‌کشد، عرض خیابان را طلی می‌کند. دختری که زیر باران، دست‌ها را باز کرده و بی‌چتر راه می‌رود. هیچ‌کدام این‌ها را در شتاب نمی‌توان دید. زندگی، خودش را به مکث‌ها نشان می‌دهد، نه به عبورهای سریع.

چراغ قرمز، فقط قانون نیست، فلسفه ساده‌ای‌ست. گاهی باید ایستاد. باید فرصت داد که چیزها خودشان را نشان دهند. که دیگران دیده شوند. که خودت، خودت را ببینی. ایستادن همیشه به معنای عقب‌ماندن نیست. گاهی آغاز یک دیدن تازه است. در دنیایی که همه چیز با سرعت اتفاق می‌افتد _ خبرها، تصمیم‌ها، اتفاق‌ها _ چراغ قرمز تبدیل شده به یکی از آخرین نشانه‌های کندی. کندی‌ای که برخلاف تصور ما، عقب‌ماندگی نیست، نوعی حضور است. یادآوری این‌که مسیر، به اندازه مقصد مهم است.

سبز که می‌شود، دوباره حرکت شروع می‌شود. ولی چیزی تغییر کرده. شاید فقط در ذهن من. شاید دیگر ماشین‌های اطرافم فقط خودر و نباشند، بلکه آدم‌هایی در حال سفر باشند. شاید مقصد کمی کم‌اهمیت‌تر شده باشد و مسیر، رنگ گرفته باشد. شاید، فقط شاید، این چراغ قرمز، چیزی بیشتر از یک علامت توقف بوده. و این، قصه مکث‌های کوچک زندگی‌ست. مکث‌هایی که اگر چه کوتاه‌اند، اما پر از معنا. چراغ قرمزها، فقط برای ایست نیستند. آنها دعوت‌نامه‌اند، برای تماشای تأمل و برای آن‌که حتی در شلوغ‌ترین خیابان، لحظه‌ای زندگی را انفس بکشی.

از گوشه و کنار دنیا

اعلام برندگان جایزه‌ادگار آلن پو



برندگان جایزه‌ادگار آلن پو اعلام شدند. این جوایز که اولین دوره آن در سال ۱۹۴۶ برگزار شد، به افتخار ادگار آلن پو، نویسنده مشهور آمریکایی و پیشگام داستان‌های جنایی و معمایی، نام‌گذاری شده‌اند. این جوایز هر ساله توسط انجمن نویسندگان معمایی آمریکا اهدا می‌شوند. به گزارش ایبنا به نقل از پپیل، فهرست برندگان جوایز امسال به این شرح هستند: بهترین رمان: «در از دحام» شارلوت وسل، بهترین رمان اول از یک نویسنده آمریکایی؛ «شهر مقدس» هنری وایز، بهترین نسخه شومیز؛ «بیوه پاریس» کیمبرلی بل، بهترین کتاب جنایی؛ «ماشین جهنمی: داستانی واقعی از دینامیت، وحشت و ظهور کار آگاهان مدرن» استیون جانسون، بهترین نقد یا زندگی‌نامه؛ «جیمز سالیس: همراهی برای داستان معمایی» ناتان اشمن، بهترین داستان کوتاه؛ «هوش من را بخور» اریکا کروسه، بهترین اثر کودک؛ «اسرار زباله و گنج: کلید درزیده شده» مارگارت پیترسن هدیکس، بهترین اثر نوجوان؛ «۴۹ مایل تنها» ناتالی دی. ریچاردز، بهترین فیلمنامه تلویزیونی؛ «قسمت اول» تام فونتانو و اسکات فرانک، جوایز ویژه انجمن نویسندگان معمایی آمریکا؛ جایزه یادبود رابرت ال. فیش، «یهودیان در خیابان الم» آنا استولی پرسکی، جایزه مری هیگینز کلارک انتشارات سیمون اند شوستر، «نویسنده موز» سولاری جنتیل، جایزه یادبود سسو گرافتون از طرف انتشارات جی. بی. پاتنام سائز، «راحتی ارواح» ژاکلین ویسییر، جایزه لیلیان جکسون و قتل‌ها در گرت دیدلیتنگ» کاترینا یووالد.



او می‌گوید شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد در حالت «مرگ بالینی» از اتفاقات اطرافشان آگاه بوده‌اند و بعدها توانسته‌اند آن را با جزئیات بازگو کنند.

اما این بحث فقط درباره علم و ماورائست نیست. تأثیر روانی و احساسی این تجربه‌ها بی‌سابقه است. بسیاری از کسانی که از مرگ بازمی‌گردند، می‌گویند دیگر از مرگ نمی‌ترسند. اولویت‌های زندگی‌شان تغییر کرده، شغل یا روابط خود را عوض کرده‌اند و به نوعی دوباره متولد شده‌اند.

دکتر ماریانا پهلوانو، روان‌پزشک دانشگاه ویرجینیا می‌گوید: «تغییرات در افرادی که تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند، عمیق‌تر و ماندگارتر

»قصه‌های پلیسی، پرونده‌های جنایی، من می‌خوام کاراگاه

بشم، می‌دونی که؟»
خاطره دوری دارم از یک شگردم که دختر پرچنب و جوشی بود و از این کمربندهای رنگی رزمی داشت و می‌خواست کاراگاه خصوصی بشود و دیگر خبری از ازش ندارم. پشتم می‌لرزد. کاش به دخترک بیشتر کمک کرده بودم و الااں ته دلم قرص بود. این هم از بدی‌های معلمی. می‌گویم ما توی ایران کاراگاه خصوصی هم کم‌داریم چه برسد به اینکه بخواهد خانم باشد. می‌گوید: «تا من بزرگ بشم ایران هم به جوری می‌شه که دخترها رو همه‌جاره بدن.» این هم حرفی است.

کار و بار با دپپ سبک‌ر یا دشن می‌ددم و می‌روم سر ولگردی توی خانه چون از وقتی رفته خانه مادرش تنها کامپیوتر هملنی است که من باهاش کار می‌کنم. یکدفعه می‌گوید: «تو می‌دونی اصغر قاتل چند تا بچه رو کشته؟» می‌میرم و زنده می‌شوم و بر می‌گردم که چهره وحشت‌ده‌اش را ببینم که دست بر قضا نه تنها وحشت‌زده نیست که کلی هم کیف کرده.

یاد آن دوستم می‌افتم که غشی بود و فیلم‌های ترسناک را هم تنهایی توی خانه می‌دید. می‌گویم بهتر که برود پرونده‌های

علی مجتهدزاده

مترجم

می‌بینمش و مثل همیشه با کله می‌آید وسط شکمم و هر چه به این ولد چموش گفتمام: «توی شکم نه!» به خرش نرفته. راه می‌دهم می‌آید توی خانه و مادرش که پشت فرمان مانده را نگاه می‌کنم و دستستی به احترام و از دور برای هم تکان می‌دهیم و در را می‌بندم. پهبش می‌گویم خب حالا چکار کنیم؟ می‌گوید: «هامان! گفته بیه من هوش مصنوعی یاد بدی.» می‌پرسم چرا؟ او می‌گوید: «واسه اینکه از اینترنت هر چی می‌خوام برسم و دیگه هی از اون نپرسم که مجبور شه سرچ کنه.» می‌روم توی این فکر که اصلاً درست است بچه‌به این کوچکی در گیر این چیزها بشود که یادم می‌آید می‌شود هوش مصنوعی را شخصی کرد و پهبش گفت چیزهای نامربوط به سن و سال را جواب ندهد.

ایمیلش را بلدم و می‌زنم و برایش حساب کاربری درست می‌کنم و می‌رویم تو. می‌پرسم چه می‌خواهد و می‌گوید:

چهره روز

صیاد واژه‌ها، آشپز جان‌ها

نجف دریابندری، نویسنده و مترجمی که در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ چشم از جهان فروبست، از آن دست آدم‌ها بود که مرز میان جدی‌ترین دغدغه‌های فلسفی و لذت‌بخش‌ترین خوشی‌های زندگی را در نور دیده بود. متولد آبادان بوده؛ زاده شهری با بوی نفت و طعم نمک دریا. همان‌جا، در جوانی، زبان انگلیسی را آموخت؛ نه در کلاس و مدرسه، که از همنشینی با انگلیسی‌ها و تماشای فیلم‌ها. بعدها، با ترجمه شاهکاری چون وداع با اسلحه، نامش در میان اهل فرهنگ پیچید و با ورود به حزب توده و زندان، روزگارش دیگر گون شد. در زندان، به جای فراموشی، به ترجمه تاریخ فلسفه غرب راسل پرداخت.

نثر او در تمام ترجمه‌ها، به‌سان دوستی‌ست که دست خواننده را می‌گیرد و با خود می‌برد؛ چه در کوه‌های آکسفورد، چه در دهکده‌های جنوب آمریکا. اهل غافلگیری هم بود؛ هم آنگاه که فاکتر و همینگوی را به فارسی آورد، هم وقتی بی‌مقدمه سر از آشپزخانه درآورد.

کتاب مستطاب آشپزی، از سیر تا پایاز دریابندری، یکی از عجیب‌ترین و دل‌نشین‌ترین تجربه‌های نشر ایران است. نجف دریابندری، دیدار‌کننده راسل و هم‌صحبت مردم‌از،

عکس روز



من مادر یک پسر ۱۵ ساله‌ام. نه آنقدر بچه که نشود با او حرف زد، نه آنقدر بزرگ که بشود به تصمیم‌هایش اعتماد کرد. بینایی، آسمنش‌ارش و دوم دبیرستان است. درش خوب است، گاهی ورزش هم می‌کند. پراثری است و خوش صحبت، مدتی ست چیزی در رفتارش من را مشکوک کرده بود. نگاهش بیشتر از همیشه توی گوش‌اش است، دو سه بار وقتی از بیرون برمی‌گردد، یک بوی عجیب گرفته بود. بوی دود سیگار. او فکر کردم اشتباه می‌کنم. با خودم گفتم پسر من قطعاً سیگار نمی‌کشد. اما بعدتر مطمئن شدم؛ بوی سیگار است و گاهی هم چیزی شبیه آن. اولین بار که بوی سیگار را از لباسش حس کردم، انگار کسی با دست محکم کوبید روی دلم. گفتم شاید از جایی گذشته و بو گرفته. شاید توی خیابان از کنارش رد شده‌اند اما مادر بودن یعنی حدس‌هایت، هر چقدر هم آرام زمزمه شوند، همیشه درست از آب درمی‌آیند.

کم‌کم حرف‌هایی شنیدم. دوستش آرمان را یک بار دیدم با فندک بازی می‌کند. یک بار گوشی‌ارش را وارسی کردم و دیدم عکسی گذاشته که در آن دست چند تایی از دوستانش سیگار و ویپ است. زیر عکس ارش نوشته بود طعم بلوبری چه طعم خوبی بود. مطمئن بودم، مطمئن‌تر شدم. همان جانشستم روی مبل، زانوهایم سست شده بود. «بلوبری؟» بچام دارد چیزی می‌کند که طعم بلوبری دارد؟ یعنی رسیده‌ام به روزی که بوی گل‌های ساختگی در توالیت مدرسه پخش می‌شود و پسرم با لبخند می‌گوید: «هامان! دستشویی مدرسه‌مون خیلی بوی خوبی می‌ده. هر توالیت به بوی خاص داره. یکی بلک کازت، یکی هندوانه، یکی شکلات.» و بعد با خنده اضافه می‌کند: «بعضی وقتاً اونجا بسا بچه‌ها حرف می‌زنیم، یهو همه با هم خندمون می‌گیره، از بس خفا خوشبو هست.»

چند شب خوابم نبرد، رفتم سراغ گوگل. «نوجوان و ویپ»، «سیگار در نوجوانان»، «چه کنم پسرم سیگار نکشد»... بعدتر با چند مادر دیگر حرف زد. مادر پارسا گفت: «ما هم فهمیدیم پسرمون می‌کشه. گفتم فقط تو خونه نکش، بیرون هر کار خواستی بکن!» مادر نیکی گفت: «نیکی گاهی با دوستانش ویپ می‌کشه، ولی بهم گفت دیگه نمی‌کشه. منم گفتم باشه، فقط راستشو بگو.» راستش را نخواهید، حرف‌های‌شان نه تنها آرام‌نکر، بلکه انگار لایه‌ای از دود روی ذهنم کشید. یعنی همه‌شان تسلیم شده‌اند؟ یعنی قرار است این چیزها بخشی از نوجوانی بچه‌ها باشد؟ یعنی باید بگویم «بکش فقط لطفاً دم پنجره؟» این همان راهی است که باید مادرانه در آن قدم بزنم؟

به یک مشاور زنگ زدم. گفت: «الا! بیشتر بچه‌ها یا ویپ می‌کشن یا کنجکاوان که امتحان کنن. فقط باید باهاشون حرف زد، نه تحقیر، نه تنبیه. ببینید از چی فرار می‌کنه. گاهی فقط می‌خوان دیده بشن. حرف‌هایش هیچ کمکی به من نکرده. وقت گرفتم و پیش یک مشاور رفتم. می‌گفت با آرامش با بچه حرف بزنید و درگیر کارهایی مثل ورزش کنیدشان. کارهای هنری، زبان انگلیسی یا مواردی از این دست را پیشنهاد کرد.

یک روز اما ارش را صدا زدم. گفتم: «آرش، راستشو بهم بگو. تو سیگار یا ویپ می‌کشی؟» با عصبانیت گفت: «تو چرا ای‌قد حساس شدی مامان؟» سپس انکار کرد. گفت اصلاً نمی‌کشم اما من می‌دانستم واقعیت چیست. مستاصل شده بودم. ارش گفت: «همه می‌کشن»... چقدر این جمله برایم تلخ بود. وقتی همه کار اشتباهی می‌کنند، آیا باید نگران نباشیم؟ آیا جمعی بودن اشتباه، توجیهی برای نادیده گرفتنش است؟

در اتاقم را بستم. نشستم و فقط نگاهش کردم. دیگر نه بچه بود و نه مرد. نوجوانی که باهایش را در مه گذاشته و نمی‌داند کدام سمت درست است. من هم نمی‌دانم. تمام راه‌ها را رفته‌ام. حرف زدن، سکوت، نظارت، تحقیق، مشاوره. می‌دانم گاهی که با دوستانش بیرون می‌رود، می‌کشد. گاهی لب‌هایش بوی بلوبری دارد، گاهی بی‌حوصله است، گاهی سرخوش.

حالا از شما می‌پرسم، از هر کسی که صدایم را می‌شنود، از هر مادری که یک نوجوان در خانه دارد، به من بگوید باید چه کنم؟